NATIONAL MISSION FOR MANUSCRIPT

राष्ट्रीय पाण्डुलिपि मिशन

सर्वेक्षण प्रपत्र

अभिलेख (Record No.) 23

तथ्य संग्रह तिथि (Date of data Collection) 30/4/18

संस्थान (Institute) Indian Council for Cultural Relations व्यक्तिगत संग्रह (Personal Collection)	पता (Address) Azad Bhavan ब्लॉक/तहसील (Block) राज्य (State) New Delhi ग्राम/शहर (Village) I.P. Estate जिला (District) पिनकोड संख्या (Pin) 110002
ग्रन्थ नाम (Text) Jawāhir al-Tafsīr	गुच्छा संख्या (Bundle No.) ..... पाण्डुलिपि संख्या (Manuscript No.) M.35 PER MSS. 297.12 BUR
रचयिता (Author) Husain Wā'iz Kāshifī	पृष्ठों की संख्या (No. of Folios) 456 पृष्ठ संख्या (No. of Pages) 912
टीका (Commentary)	ग्रन्थ आकार (Size of Mss.) 23.6 x 14.5 cm
टीकाकार (Commentator)	सामग्री (Material) हस्तनिर्मित कागज/ताड़पत्र/भूर्जपत्र/वस्त्र/चर्म/अन्य (Handmade paper / Palm Leaf / Birch-bark / Cloth / Leather / others)
भाषा (Language) Persian	चित्र संख्या (Illustrations) ✓ पूर्ण/अपूर्ण (Complete/Incomplete)
लिपि (Script) Nastaliq	लुप्त अंश/पृष्ठ संख्या (Missing portion)
पाण्डुलिपि संवत (Date of Manuscript) Rajab al-Murajjab 964 AH. (1556 AD)	ग्रन्थ स्थिति (Condition) (Good/Bad) कीटाणु/फफूंद/नमक (Worm eaten/Fungus infected/Fragile/Brittle) Storage - Good / Bad अलमारी/फर्श/खुला स्थान (Almirahs / Floor / Open Space / Others)
लिपिकार (Scribe) Ahmad bin A	सूचीपत्र आधार (Source of Catalogue) विवरणात्मक/सूचीपत्र/वर्णानुक्रम (Descriptive/Handlist/Perennial/Alphabetical)
विषय (Subject) Tafsīr (Commentary)	टिप्पणी (Remarks)

Signature of Surveyor

ICC0000123

INDIAN COUNCIL
FOR
CULTURAL RELATIONS
NEW DELHI

Accession No. M 35
Call No. Per MSS. 297.12 GUR

Per
MSS

ICO0000123

حسين واعظ كاشفي

جواهر التفسير

964 AH

V-96

V-10

ICO0000123

PER
MSS
297.12
QUR
M35

حسین واعظ الکاشفی

جواہر التفسیر

ICO0000123

5245

141

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

مطلق من الشیطان الرجیم رست و موسوسه بود از جنبه مسکین یا وارد
از جانب بی حقش الرحیم بالواحد از روی جنان یا بیرون رسته از طلسمات
اسمان و بکلمات این کلمات از شان دیو ملعون محفوظ باشد بسم الله
بسم الله نام خدای بر مستقی الرحمن یک صفت مر خلق بجود
و رحمة الرحیم صفت بنده بر خلق بر جنبه از جنبه اعلی فقط از ذات و صفات
مر خدا را فرض که ذات تا ابد موجود بود و معلوم است و خواه بود خلق تمام
و کمال لله مر خدا راست که مستحق و موصوف است بجز اسماء و صفات کمال و جلال
و جمال رب العالمین اعرف اسم و ربوبیت و دارندگی و تربیت کننده
و صاحب خدا که بخلایق از ملائکه جن و انس و وحوش و طیور و سباع و
بهائم و حیوان الرحمن الرحیم کسی که وجود تا بر دیگر و قوت بعد از فنا اصحاب
الرحیم بنده دیگر یار رافت و رحمت و بوستان و در آوردن آب
بهشت جاودان و در جهنم و امان مالک یوم الدین خداوند روز
جزا یا متصرف در آن روز بر جمله و یا حافظ اعمال بندگان یا دارنده
دست بر نامه ها تا لفظ اشرف یا تا بی روز حساب محو میان بندگان کی
حکم کند یا جزا دهنده در روز جزا ایاک نعبد تنها ترا پرستیم و بس و بس
تو مستحق عبادت هستی کسی ایاک نستعین و خاص از تو یاری میخواهیم
در بخشش تو و از کل سایر خوبی و صفات اهدنا راه نما ما را الصراط

ICO0000123

IC00000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

و شاید اینکه این آن پیغمبر است که نعت او در تورات باشد و اقیموا الصلوة
و بپای دارید نماز مسلمانان را بر آن وجه که ایشان میکنند و آتوا الزکوة
و بدهید زکوة را بطریق اهل اسلام و ارکعوا و نماز کنید مع الراکعین
با رکوع کنندگان یعنی بجماعت مسلمانان اتأمرون الناس ایا میفرمائید
مردمان را بالبر به نیکوئی و تنسون و فراموش میکنید انفسکم
نفس خود را و انتم و حال آنکه شما تتلون الکتاب میخوانید
توریت را افلا تعقلون آیا چرا عقل خود را کار نمیفرمائید این آیه
در شان بعضی از اهل مدینه است که با یهود که در بقعهٔ اسلام
میگفتند بر اتباع و احکام شرع محمدی ترغیب میکردند و خود از سلوک مسلمانی
سستی میورزیدند و استعینوا و یاری خواهید بالصبر بشکیبائی کردن
در ادای طاعت یا بروزه داشتن و الصلوة و بگذاردن فرائض
یعنی که نماز بطریق مسلمانان لکبیرة بزرگ و دشوار و گرانست
الا علی الخاشعین مگر بر فروتنان و آرام گرفتگان در طاعت که دوست دارند
و عادت ایشان کردن و ثبت نمودن خشوع ایشان بر نفس خود

ICO00000123

ای جمعی که نور ترشان شود و تا ملوک و صورت آسمان شود پس گفت
خداوند می فرماید الذین لا یعلمون یعنی میدانند الکفر اگر ایشان
ملائکه و آن کفر رسند که بندگی پدر و مادر کنند و الکفر و بدرستی که ایشان
هم میدانند که ایشان آن که بسوی پدر و مادر خود جهت یاد آمدن کردن از اعطاء
یاد کردند یا بنی اسرائیل اذکروا یا بنی اسرائیل یعنی ای فرزندان
یعقوب یاد کنید نعمتی بکر بهای مرا التی انعمت علیکم
انعام کردم بر شما و آن یاد کنید کردن فضلکم تفضیل دادم بر شما
و فضل دادم علی العالمین بر جهانیان که در روزگار ایشان بودند و اتقوا
و بترسید یوما از عذاب روزی که در آن روز نجات جزا نیابد نفس
نفسی هیچ نفسی بر نفسی از نفسها شیئا اندک چیزی
از مکافات یا کفایت نکند هیچ کس هیچ چیزی از عذاب ولا یقبل
و پذیرفته نشود منها از نفس کافر فدیه فدای او شفاعة و در خواست
تقدیر که کسی شفاعت کند ولا یؤخذ و نگرفته نشود منها از نفس کافر
عدل فدیه که عوض آن خود بدهد برای کشیدن عذاب ولا هم
و نباشد کافران که عذاب از ایشان یاری یابند

ICO0000123

یاری کند هیچکس نتواند کرد دفع عذاب وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ و یاد کنید آن وقت را
چون برهانیدیم شما را مراد اجداد ایشان است بر فرزندان بنا بر آنکه اصل
اولاد بسبب آباء و اجداد باشند و برهانیدن ایشان از آنکه بود و عین آنکه
فِرْعَوْنَ از اتباع و متعلقان فرعون يَسُومُونَكُمْ عذاب میکردند بجهت
شما سُوءَ الْعَذَابِ سخت‌ترین و بدترین عذابها يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ
میکشتند پسران شما را در طفولیت بسبب خوابی که فرعون دیده بود که مولود
بنی اسرائیل پسری متولد شود که هلاک قبطی و خرابی ملک بر دست او بود
وَيَسْتَحْيُونَ و باقی میگذاشتند نِسَاءَكُمْ دختران شما را برای خدمت
وَفِي ذَٰلِكُمْ و در این ذبح پسران و خدمت فرمودن دختران بَلَاءٌ محنتی
و آزمایشی بود شما را مِنْ رَبِّكُمْ از پروردگار شما عَظِيمٌ بزرگ وَإِذْ فَرَقْنَا و یاد کنید آن را نیز که بشکافتیم بِكُمُ بسبب شما
شما را الْبَحْرَ دریای قلزم را وقتی که از فرعون می‌گریختید و در پیش شما
ملک کرد شمن از پیش شما فَأَنْجَيْنَاكُمْ پس برهانیدیم شما را از ضرر آن

IC00000123

وَاَغْرَقْنَا آل فرعون کسان فرعون وَاَنْتُمْ و حال آنکه شما
بی نگرانید بدین بار که چگونه هلاک شدند با بعد از دریا هلاک شدن
بکشتند وَاِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى و یاد کنید آن زمان که وعده دادیم موسی را از بهر
کتاب وعده دادن موسی را بآمدن بجانب کوه طور از بعد ثَلٰثِينَ لَيْلَةً سی شب
یعنی بعد از انقضاء آن شهر اتخذتم پس فرا گرفتید شما الْعِجْلَ گوساله را
مِنْ بَعْدِهِ بعد از رفتن موسی بطور وَاَنْتُمْ و شما ظٰلِمُونَ ستمکارانید در وضع
عبادت حق در غیر موضع آن ثُمَّ عَفَوْنَا پس عفو کردیم و درگذرانیدیم
از شما بعد از توبه شما و هلاک نکردیم شما را مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ پس از آنکه عفو کردیم شما را
صادر شد و این عفو را بجای آن برد که لَعَلَّكُمْ تا مگر شما تَشْكُرُونَ شکر کنید
بر نعمت عفو وَاِذْ آتَيْنَا مُوسَى و یاد کنید آن زمان که دادیم موسی را الْكِتٰبَ توریة
وَالْفُرْقَانَ و جمعی بعد از کلمه بیان حق و باطل لَعَلَّكُمْ تا مگر شما تَهْتَدُونَ راه
راست یابید بدان کتاب گفت وَاِذْ قَالَ مُوسَى و یاد آورید آن زمان که گفت موسی
لِقَوْمِهِ مر قوم خود را یعنی آنها را که عبادت عجل کرده بودند یٰقَوْمِ ای قوم من
اِنَّكُمْ بتحقیق شما ظَلَمْتُمْ ستم کردید اَنْفُسَكُمْ بر نفسهای خود بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ
بعد از گرفتن گوساله را بخدای فَتُوبُوا پس باز گردید بتضرع و زاری الی بارئکم

باری بدرگاه آفریننده

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

IC00000123

ICO00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICC0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICOD000123

ICO0000123

ICO0000123

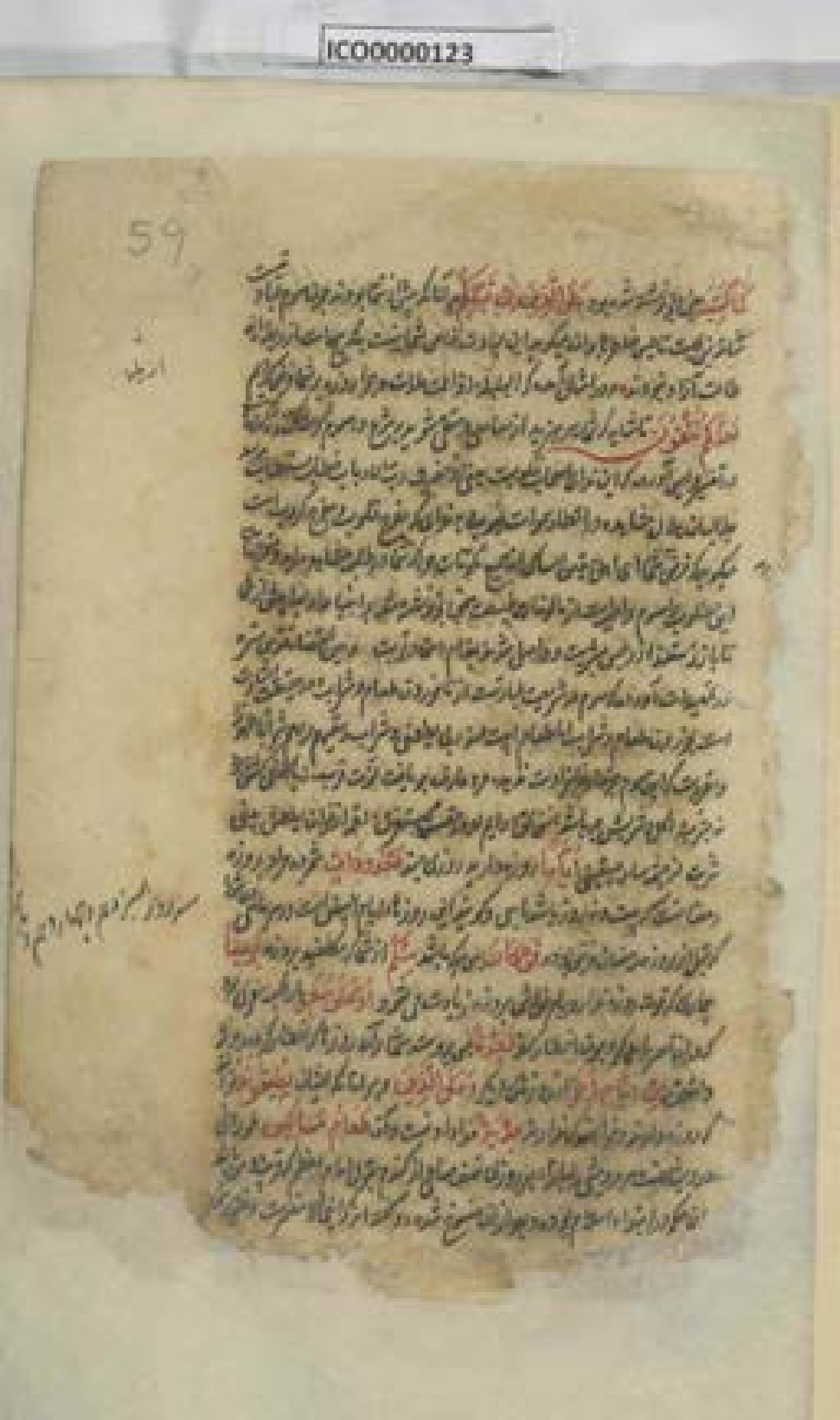

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

قس

ICO00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

سوم
آمنوا

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ع

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

جامع

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

نکته تربیه

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

1700000173

ICO0000123

ICC0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

ثلثه اربع

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ع

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

دفن کفر

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICC0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

13

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

سیه و سفید و بد و نیک را بنمودیم الی الذین اذ قیل لهم تعالوا بگو ای محمد آیا ندیدی
ایشان را الذین خرجوا از شهرهای خود و هم الوف حذر الموت بترس مرگ و بیم
مسلمانان بر ایشان می کرد فقال لهم الله موت بمیرید و بمیرانید ایشان را
و گفته اند ایشان جماعت سی هزار بودند که از ترس طاعون از دیار خود
بیرون آمدند و بصحرا رفتند و در آنجا مستقر بودند و طاعون بر ایشان
مسلط شد و ایشان را بکشت و بعضی گفته اند قوم حزقیل بودند که
بر ایشان طاعون افتاد و ایشان را بکشت ثم احیاهم پس زنده گردانید
ایشان را بعد از آن بدعای حزقیل پیغمبر ان الله لذو فضل بتحقیق
خدای تعالی صاحب فضل است بر مردم ولکن اکثر الناس لا یشکرون
و لیکن بیشتر مردم شکر نعمت او نمی گزارند و قاتلوا فی سبیل الله
و کارزار کنید در راه خدای تعالی و اعلموا ان الله سمیع علیم
و بدانید که خدای تعالی شنوا و داناست من ذا الذی یقرض الله
کیست آن که وام دهد خدای را قرضا حسنا وام نیکو و بدهد
بنده بخدای تعالی فیضاعفه له تا بدهد خدای تعالی آن وام را
بنده را و بیفزاید بر آن بسیار اضعافا کثیرة افزونی بسیار
و الله یقبض و یبسط و خدای تعالی تنگ می گیرد و فراخ می گیرد
و الیه ترجعون و بسوی او باز گردید الم تر الی الملا
آیا ندیدی بسوی گروه از بنی اسرائیل من بنی اسرائیل
من بعد موسی از پس موسی اذ قالوا لنبی لهم هنگامی که گفتند
پیغمبری را که ایشان را ابعث لنا ملکا بفرست برای ما پادشاهی
نقاتل فی سبیل الله تا کارزار کنیم در راه خدای تعالی قال
گفت پیغمبر ایشان را هل عسیتم آیا هست که شما
ان کتب علیکم القتال اگر فرض کرده شود بر شما کارزار
الا تقاتلوا آیا نکنید کارزار قالوا گفتند

ICO00000123

[illegible]

[illegible] وَلَقَدْ آتَيْنَا داود وسليمان عليهما السلام عِلْمًا علما بسيار وَقَالَا
[illegible] وَقَالَا داود وسليمان عليهما السلام الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا
[illegible] الَّذِي فَضَّلَنَا بداد ما را عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
[illegible] وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ داود وسليمان عليهما السلام داود داود
[illegible] وَقَالَ سليمان عليه السلام يَا أَيُّهَا النَّاسُ اى مردمان
[illegible] عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ ما را آموختند زبان مرغان
[illegible] وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيْءٍ ما را داده اند از هر چيز
[illegible] إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ بدرستى كه اين
[illegible] وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ سليمان عليه السلام را جمع كردند
[illegible] جُنُودُهُ لشكرهاى او مِنَ الْجِنِّ از پريان
[illegible] وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ از آدميان و مرغان
[illegible] فَهُمْ يُوزَعُونَ پس ايشان را باز داشتند
[illegible] حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ تا چون
[illegible] قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ گفت مورچه اى
[illegible] ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ در آيد بسراهاى خود
[illegible] لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ
[illegible] وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
[illegible] فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا
[illegible] وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي
[illegible] أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ
[illegible] وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ
[illegible] وَأَدْخِلْنِي
[illegible] بِرَحْمَتِكَ
[illegible] فِي عِبَادِكَ
[illegible] الصَّالِحِينَ
[illegible] وَتَفَقَّدَ
[illegible] الطَّيْرَ
[illegible] فَقَالَ
[illegible] مَا لِيَ
[illegible] لَا أَرَى
[illegible] الْهُدْهُدَ
[illegible] أَمْ كَانَ
[illegible] مِنَ الْغَائِبِينَ
[illegible] لَأُعَذِّبَنَّهُ
[illegible] عَذَابًا
[illegible] أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ
[illegible] أَوْ لَيَأْتِيَنِّي
[illegible] بِسُلْطَانٍ
[illegible] فَمَكَثَ
[illegible] غَيْرَ
[illegible] فَقَالَ
[illegible] أَحَطْتُ
[illegible] بِمَا لَمْ
[illegible] وَجِئْتُكَ
[illegible] مِن سَبَإٍ
[illegible] بِنَبَإٍ
[illegible] إِنِّي وَجَدْتُ
[illegible] امْرَأَةً
[illegible] تَمْلِكُهُمْ
[illegible] وَأُوتِيَتْ
[illegible] وَلَهَا
[illegible] عَرْشٌ
[illegible] عَظِيمٌ
[illegible] وَجَدْتُهَا
[illegible] وَقَوْمَهَا
[illegible] يَسْجُدُونَ
[illegible] لِلشَّمْسِ
[illegible] مِن دُونِ
[illegible] وَزَيَّنَ
[illegible] أَعْمَالَهُمْ
[illegible] فَصَدَّهُمْ
[illegible] السَّبِيلِ
[illegible] فَهُمْ
[illegible] لَا يَهْتَدُونَ
[illegible] أَلَّا يَسْجُدُوا
[illegible] لِلَّهِ
[illegible] الَّذِي
[illegible] يُخْرِجُ
[illegible] الْخَبْءَ
[illegible] فِي السَّمَاوَاتِ
[illegible] وَالْأَرْضِ
[illegible] وَيَعْلَمُ
[illegible] مَا تُخْفُونَ
[illegible] وَمَا تُعْلِنُونَ
[illegible] اللَّهُ
[illegible] لَا إِلَٰهَ
[illegible] إِلَّا هُوَ
[illegible] رَبُّ
[illegible] الْعَرْشِ
[illegible] الْعَظِيمِ
[illegible] قَالَ
[illegible] سَنَنظُرُ
[illegible] أَصَدَقْتَ
[illegible] أَمْ كُنتَ
[illegible] مِنَ الْكَاذِبِينَ
[illegible] اذْهَب
[illegible] بِّكِتَابِي
[illegible] هَٰذَا
[illegible] فَأَلْقِهْ
[illegible] إِلَيْهِمْ
[illegible] ثُمَّ تَوَلَّ
[illegible] عَنْهُمْ
[illegible] فَانظُرْ
[illegible] مَاذَا
[illegible] يَرْجِعُونَ
[illegible] قَالَتْ
[illegible] يَا أَيُّهَا
[illegible] الْمَلَأُ
[illegible] إِنِّي
[illegible] أُلْقِيَ
[illegible] إِلَيَّ
[illegible] كِتَابٌ
[illegible] كَرِيمٌ
[illegible] إِنَّهُ
[illegible] مِن سُلَيْمَانَ
[illegible] وَإِنَّهُ
[illegible] بِسْمِ
[illegible] الرَّحْمَٰنِ
[illegible] الرَّحِيمِ
[illegible] أَلَّا تَعْلُوا
[illegible] عَلَيَّ
[illegible] وَأْتُونِي
[illegible] مُسْلِمِينَ
[illegible] قَالَتْ
[illegible] يَا أَيُّهَا
[illegible] الْمَلَأُ
[illegible] أَفْتُونِي
[illegible] فِي أَمْرِي
[illegible] مَا كُنتُ
[illegible] قَاطِعَةً
[illegible] أَمْرًا
[illegible] حَتَّىٰ
[illegible] تَشْهَدُونِ
[illegible] قَالُوا
[illegible] نَحْنُ
[illegible] أُولُو
[illegible] قُوَّةٍ
[illegible] وَأُولُو
[illegible] بَأْسٍ
[illegible] شَدِيدٍ
[illegible] وَالْأَمْرُ
[illegible] إِلَيْكِ
[illegible] فَانظُرِي
[illegible] مَاذَا
[illegible] تَأْمُرِينَ
[illegible] قَالَتْ
[illegible] إِنَّ
[illegible] الْمُلُوكَ
[illegible] إِذَا
[illegible] دَخَلُوا
[illegible] قَرْيَةً
[illegible] أَفْسَدُوهَا
[illegible] وَجَعَلُوا
[illegible] أَعِزَّةَ
[illegible] أَهْلِهَا
[illegible] أَذِلَّةً
[illegible] وَكَذَٰلِكَ
[illegible] يَفْعَلُونَ
[illegible] وَإِنِّي
[illegible] مُرْسِلَةٌ
[illegible] إِلَيْهِمْ
[illegible] هَدِيَّةً
[illegible] فَنَاظِرَةٌ
[illegible] بِمَ
[illegible] يَرْجِعُ
[illegible] الْمُرْسَلُونَ
[illegible] فَلَمَّا
[illegible] جَاءَ
[illegible] سُلَيْمَانَ
[illegible] قَالَ
[illegible] أَتُمِدُّونَنِ
[illegible] بِمَالٍ
[illegible] فَمَا
[illegible] آتَانِيَ
[illegible] اللَّهُ
[illegible] خَيْرٌ
[illegible] مِّمَّا
[illegible] آتَاكُم
[illegible] بَلْ
[illegible] أَنتُم
[illegible] بِهَدِيَّتِكُمْ
[illegible] تَفْرَحُونَ
[illegible] ارْجِعْ
[illegible] إِلَيْهِمْ
[illegible] فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ
[illegible] بِجُنُودٍ
[illegible] لَّا قِبَلَ
[illegible] لَهُمْ
[illegible] بِهَا
[illegible] وَلَنُخْرِجَنَّهُم
[illegible] مِّنْهَا
[illegible] أَذِلَّةً
[illegible] وَهُمْ
[illegible] صَاغِرُونَ
[illegible] قَالَ
[illegible] يَا أَيُّهَا
[illegible] الْمَلَأُ
[illegible] أَيُّكُمْ
[illegible] يَأْتِينِي
[illegible] بِعَرْشِهَا
[illegible] قَبْلَ
[illegible] أَن يَأْتُونِي
[illegible] مُسْلِمِينَ
[illegible] قَالَ
[illegible] عِفْرِيتٌ
[illegible] مِّنَ الْجِنِّ
[illegible] أَنَا
[illegible] آتِيكَ
[illegible] بِهِ
[illegible] قَبْلَ
[illegible] أَن تَقُومَ
[illegible] مِن مَّقَامِكَ
[illegible] وَإِنِّي
[illegible] عَلَيْهِ
[illegible] لَقَوِيٌّ
[illegible] أَمِينٌ
[illegible] قَالَ
[illegible] الَّذِي
[illegible] عِندَهُ
[illegible] عِلْمٌ
[illegible] مِّنَ الْكِتَابِ
[illegible] أَنَا
[illegible] آتِيكَ
[illegible] بِهِ
[illegible] قَبْلَ
[illegible] أَن يَرْتَدَّ
[illegible] إِلَيْكَ
[illegible] طَرْفُكَ
[illegible] فَلَمَّا
[illegible] رَآهُ
[illegible] مُسْتَقِرًّا
[illegible] عِندَهُ
[illegible] قَالَ
[illegible] هَٰذَا
[illegible] مِن فَضْلِ
[illegible] رَبِّي
[illegible] لِيَبْلُوَنِي
[illegible] أَأَشْكُرُ
[illegible] أَمْ أَكْفُرُ
[illegible] وَمَن
[illegible] شَكَرَ
[illegible] فَإِنَّمَا
[illegible] يَشْكُرُ
[illegible] لِنَفْسِهِ
[illegible] وَمَن
[illegible] كَفَرَ
[illegible] فَإِنَّ
[illegible] رَبِّي
[illegible] غَنِيٌّ
[illegible] كَرِيمٌ
[illegible] قَالَ
[illegible] نَكِّرُوا
[illegible] لَهَا
[illegible] عَرْشَهَا
[illegible] نَنظُرْ
[illegible] أَتَهْتَدِي
[illegible] أَمْ تَكُونُ
[illegible] مِنَ الَّذِينَ
[illegible] لَا يَهْتَدُونَ
[illegible] فَلَمَّا
[illegible] جَاءَتْ
[illegible] قِيلَ
[illegible] أَهَٰكَذَا
[illegible] عَرْشُكِ
[illegible] قَالَتْ
[illegible] كَأَنَّهُ
[illegible] هُوَ
[illegible] وَأُوتِينَا
[illegible] الْعِلْمَ
[illegible] مِن قَبْلِهَا
[illegible] وَكُنَّا
[illegible] مُسْلِمِينَ
[illegible] وَصَدَّهَا
[illegible] مَا كَانَت
[illegible] تَعْبُدُ
[illegible] مِن دُونِ
[illegible] اللَّهِ
[illegible] إِنَّهَا
[illegible] كَانَت
[illegible] مِن قَوْمٍ
[illegible] كَافِرِينَ
[illegible] قِيلَ
[illegible] لَهَا
[illegible] ادْخُلِي
[illegible] الصَّرْحَ
[illegible] فَلَمَّا
[illegible] رَأَتْهُ
[illegible] حَسِبَتْهُ
[illegible] لُجَّةً
[illegible] وَكَشَفَتْ
[illegible] عَن سَاقَيْهَا
[illegible] قَالَ
[illegible] إِنَّهُ
[illegible] صَرْحٌ
[illegible] مُّمَرَّدٌ
[illegible] مِّن قَوَارِيرَ
[illegible] قَالَتْ
[illegible] رَبِّ
[illegible] إِنِّي
[illegible] ظَلَمْتُ
[illegible] نَفْسِي
[illegible] وَأَسْلَمْتُ
[illegible] مَعَ
[illegible] سُلَيْمَانَ
[illegible] لِلَّهِ
[illegible] رَبِّ
[illegible] الْعَالَمِينَ

ICO0000123

ICO0000123

229

ICO0000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO00000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

IC00000123

IC00000123

ICO0000123

نص

ICO0000123

2165

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

المتن دیب

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

CO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ایشان

کردند

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

2719

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ
وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ
الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ
الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا
فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ
مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ
وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

ترجمه

مردار و خون و گوشت خوک و آنچه بر آن نام غیر خدا برده شود و آنچه
خفه شده و آنچه از بلندی افتاده و آنچه شاخ زده و آنچه درنده خورده
مگر آنچه را که زنده یافتید و ذبح کردید و آنچه بر سنگهای پرستش
ذبح کرده شود و آنکه تقسیم کنید به تیرهای قرعه این فسق است
امروز ناامید شدند کافران از دین شما پس مترسید از ایشان و بترسید
از من امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما
نعمت خود را و پسندیدم برای شما اسلام را دین پس هر که
مضطر شود در گرسنگی نه از روی گناه پس بدرستی که خدا
آمرزنده است مهربان پرسند ترا چه حلال شده برای ایشان
بگو حلال شده برای شما پاکیزه‌ها و آنچه آموختید از
شکاری که آموزنده‌اید آنها را از آنچه آموخته است شما را خدا
پس بخورید از آنچه نگاه داشته‌اند برای شما و یاد کنید نام خدا
بر آن و بترسید از خدا بدرستی که خدا زود حساب کننده است
امروز حلال شده برای شما پاکیزه‌ها و طعام آنکسانی که
داده شده‌اند کتاب را حلال است برای شما و طعام شما
حلال است برای ایشان و زنان پاکدامن از مؤمنان و زنان
پاکدامن از آنکسانی که داده شده‌اند کتاب را از پیش از شما
چون بدهید ایشان را مهرهای ایشان در حالی که پاکدامن
باشید نه زنا کنندگان و نه گیرندگان دوست پنهانی
و هر که کافر شود به ایمان پس بدرستی که تباه شده است
عمل او و او در آخرت از زیانکاران است

ICO0000123

فرمود الله تعالی ولی یکدیگر ترک آنها کردن و اگر نه فتنه بزرگ
بزرگ فرمود و کفر اختیار و استقامت جز درست بر الف و معلوم جمع مشرکان
کشتن و بازنام تست کردن و اختیار از ایام بسیار بود و برای مسلمانان از
نکاح و ختان و اختلاف در نسب و میراث و لکن این استقامت و پیروی بر دین
از دار بر اسلام زیرا که اعراب بر خدای اگر ترسیدند و خواهند با شرک اگر
میگویند الیوم امروز که روز جمعه است و عرفه یئس الذین کفروا نا امید شده
کافران من دینکم از ابطال دین شما یا از رجوع شما بدین ایشان فلا تخشوهم
پس مترسید از فتنه ایشان واخشون و از من بترسید این آیه نازل شد در حجة
الوداع و فرود آمد و آنحضرت بر ناقه عضبا سوار بود و بعد از نزول این آیه هشتاد
و یک روز زیست الیوم امروز اکملت لکم کامل کردانیدم برای شما دینکم دین شما
که اکمال او دار تقویم قرار داده و اتممت علیکم و تمام کردم بر شما نعمتی
نعمت خود را که کفار بر ابرام مطعن و مسلمان با شما جنگ نکنند و رضیت
و اختیار کردم لکم الاسلام برای شما اسلام را دینا دینی پاکیزه تر از دین
فمن اضطر پس هر که بیچاره شد فی مخمصة در گرسنگی تا بانجام و این
که در شدت گرسنگی غیر متجانف لاثم و در حالتی که مایل نباشد بسوی گناه
بتلذذ و تا زیاده از سد رمق تناول نکند فان الله غفور پس خدای آمرزگار
مر او را رحیم مهربان و گرسنگان اهل این اخبار در قصه ابو ذر و سلمان فارسی
و زید بن الخیل طایی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم او را زید الخیر گفته بخدمت آنحضرت
آمد گفتند یا رسول الله ما در جایی می باشیم که مستحق اسکان و در زمان قحط
و گرسنگی و اولاد می گیریم و سکان آن دیار بر آن جوی بر جا می دارند و شتر میکنند
از آن غذا است که ما در می یابیم و بعضی از آنکه سگ بدان کوه می گیرند و بر آن
نماز میکنند ما سگ تلف کرده است و حق تعالی از فرود آمدن آن است اگر این

ICO0000123

285

باشد یا اندک باشد از نوع پرندگان و چهارپایان و آنچه بر زمین
گیاه نروید تا احرم بالحج یعنی بحرمت شکار در حالت احرام
که بتمام حج یا عمره احرام بسته باشید و حرم یعنی در حالت شکار
جمع الجوارح از شکار کنندگان خواه از سباع چون سگ و یوز و خواه از طیور چون
باز و چرغ و غیر آن مکلبین و صاحبان آن که آموزنده و صاحب آن باشند تعلمونهن
می آموزانید جوارح شکاری را مما علمکم الله از آنچه خدای تعالی آموخته است
از طرق تادیب و آنچه نسبت کردن شکار روی خود و غیر آن که خواهید مرد و اشارت
و غیر آن تا از آن صید و شکار را نگاه دارند و آموزند فکلوا پس بگیرید
پاک و حلال مما امسکن علیکم از آنچه که نگاه داشتند شکاری نگاه داشتن
برای شما و نگرفتند و بعضی نفس شکار و نگاه داشتن شکاری این شرط نکرده اند
تا دست بطعمه نرسانند و بعضی گفته اند و اذکروا اسم الله و یاد کنید نام خدای را علیه
بر آنچه که صید کرده اید در وقت ارسال او یا بر صید و بگفتن بسم الله
صید را بتیر زنید و بسم الله بر گفتن است واتقوا الله و بترسید از خدای
در تناول آن بی اجازت که در اسلام واتقوا الله یوم الحساب بترسید از خدای تعالی
حساب است و از حلال و حرام سوال خواهد کرد الیوم یعنی در روز نزول این آیه
احل لکم الطیبات حلال کرده شد شما را پاکیزه ها و آنچه بتمام خوردن و طعام الذین
اوتوا الکتاب و طعام آنکه اعطا کرده اند کتاب را از اهل تورات و انجیل حل لکم حلال است
مر شما را و طعامکم حل لهم و طعام شما نیز حلال است در دین اسلام و شما را بتمام خوردن جایز
و دیگر حلال است بر شما زنان آزاد و پارسا من المؤمنات از زنان مؤمن و آزاد
بر سبیل اولویت است و اگر نه در مشرکه نیز حلال است والمحصنات و دیگر زنان پاک
من الذین اوتوا الکتاب از زنان آنکه اعطا کرده اند کتاب را اذا آتیتموهن یعنی

ICO0000123

IC00000123

[illegible] آیا بس نیاید که بعد از طلب یا جان آب بر شما حرام باشد [illegible]
مرسل گردانیدن باک نفس [illegible] شد و بی آب در جای بر دو آفت استعمال یافت
شود یا بیمار و [illegible] حیات آن خواهد بود فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا بر قصد کنید
پاک [illegible] از جنس زمین بود [illegible] فَامْسَحُوا پس مسح کنید
بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ بروی و دستهای خود را [illegible] از خاک [illegible]
[illegible] برای [illegible] إِنَّ اللَّهَ فَيْضٌ [illegible] از فضل [illegible]
[illegible] يَفْعَلُ [illegible] ظاهر شما [illegible] کرده وَيُكَفِّرُ [illegible] و [illegible]
[illegible] پاک گردانید از [illegible] یا از گناه [illegible]
وَيُتِمَّ [illegible] و تمام گرداند [illegible] نعمت خود را عَلَيْكُمْ بر شما پاک [illegible] بر شما
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ و تا باشد که شما شکر کنید بر نعمتهای [illegible] صاحب
[illegible] که [illegible] آب [illegible] آنست که چون بر چیزی از خواب
[illegible] و [illegible] که [illegible] در رجوع [illegible] آب [illegible]
[illegible] که [illegible] بشود [illegible] استعمال [illegible]
[illegible] از [illegible] و [illegible] [illegible]
[illegible] را [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] است از [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] از [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

بکشد گویا جمیع ناس را بکشد یعنی کسی که کشته باشد بر قصاص لازم شد وَمَنْ أَحْيَاهَا
از کشتن نجات داده باشد از بین یعنی قطع طریق یا دزدی یا زنا یا غیر آن
فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا یعنی چنان باشد که همه مردمان را کشته باشد و اگر
حیات کرده باشد همه مردم را از هلاکت یا از گمراهی یا از کفر و بی یکسان
استحباب بعضی از مفسران فَمَنْ أَحْيَاهَا و بعضی سبب بقای حیات کسی شود بعضی از قصاص
یا از قتل یا از موت از هلاکت فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا یعنی چنان
که سبب زندگی همه مردمان شده باشد مقصود از این کلام تعریف است از عظمت قتل و
در حکایت نقل وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ و هر آینه که آمدند بسوی بنی اسرائیل رُسُلُنَا
فرستادگان ما بِالْبَيِّنَاتِ بمعجزات روشن یا بحجتهای واضح ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ
پس بدرستی که بسیاری از ایشان بعد از آمدن رسل و از آن آیات بعد
لَمُسْرِفُونَ در زمین از اسراف کنندگان در خونریزی و از تجاوز
از حد در قتل یا در کشتن از حد و از امر و نواهی و در بسیار کشتن از
حد جایز از زیرا که حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم آمده بود و حضرت اسلام
هر که کشته ملازمت جناب نبوت اختیار کرده و هر که بر آن مرتد شده باشد
و اگر نقل نیز کشته شده خود صورت صلح و اطاعت نمایند حضرت ایشان را بعد از
بیشتر از آن که جمیل الصبر بود فرستاد و بعد از زمان اندک موضع بیرون و بول
بیشتر ایشان بعد از آن ایشان بعد از بول و بعد از ایشان اتفاق کرده و باز بیشتر
خاصه آن حضرت را با همه روی بیشتر آن و تمام و تعجب از امر بول و بول
بود صلوات الله علیه با جنگ و غزا از جنگ ایشان برفت بر ایشان بسیار مقاتله
کرده و باز بیاورد اگر قدرت و دست و بازوی او بر جمیع خارج و بر ایشان
تا شهید شد و حضرت از این حال و قرف یافته که زین جنگ و بایست بود از جنگ
ایشان فرستاد و او را هر که قدرت و دست و بازوی او بر جمیع آن حضرت آورده و

ICO0000123

ICO0000123

آمنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيلة

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

ثلث اربع

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO00000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

3235

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

مکرره

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

341

ICO0000123

ICO0000123

348

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO00000123

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

355

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

3775

ICO0000123

1000000133

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

نصیب

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

399

IC00000123

ICO00000123

IC00000123

ICO00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

407

IC00000123

ICD0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

1421

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICD0000123

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ICO00000123

از

ICO0000123

(977)

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

وبشارت جا و تحقیق خدا تعالی میفرماید فَقَتَلُوا النَّبِيِّينَ بس بکشتند پیغامبران را
بِغَيْرِ حَقٍّ وبر کشتن بر حق وَيَقْتُلُونَ و میکشند وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ و کشتن
وکشتن انبیا را بِغَيْرِ حَقٍّ بناحق وَيَقُولُونَ و میگویند هَلْ مِنْ مَزِيدٍ
وعده میکنی ما را از فرایض أَفَرَأَيْتَ آیا دیدی ما تنزیل را
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بس فرا گرفت ایشان را بسبب کفر زیرا بعد از تنبیه
صَعِقَ عَظِيمٌ بس بیهوش شدند وَأَنْزَلْنَا و فرو فرستادیم
بر دل در آن کتاب بر دل پیغامبر را وَأَنْزَلْنَا بس بر دل کردانیدیم
وقتی که تا قرآن بکشند و خدای زیرا کوه تو را اسمعیل جبرئیل علیه السلام و زاد
فرام کرد وَقَالَ و گفت اندر دل اخبر أَنَّ ای که حق تعالی
بر ما بر ما نازل بنام پیغامبر و دل ما را که باد ای ما بر ما
وَأَنْتُمْ و صفت کرد شما را در دست دعوت أَنْتُمْ خَيْرَ و نیکی
در دست فرمان بر عرب و دل میکنید أَنَّ بِصِفَتِ کسی که از اندر دعوت
شما را با بان شما شوند و از اتباع نفس شیطان منع کنند وَقَوْمًا و بیاد کن قوم
بنی اسرائیل آنگاه که بر ما در آمد بر ما در آمد اسمعیل علیه السلام آنگاه که بود که ابراهیم
صلوات الله و سلام علیه از بابل متوجه شام شد و او را زنی بود حاجر علیه السلام
با وی بود خدای تعالی ابراهیم را بغیرت داد از بابل بحق تعالی فرشتگان و ارواح شهر
بود است سوره ماران اخبار جایی بود دیگر ما سوره را و در ماه صابوره را
و گویند که در سر خوان جا زمان هزار هزار آدمی بود نمرود علیه السلام سوره ما
خلق را بخدای دعوت کرد و بیست و هفت سال در میان ایشان بود و دعوت ایشان
میفرمود و از فرایض نمی کرد و یکی از فاحشهای ایشان نمرود علیه السلام بود حق تعالی
این امت را از فاحشت او ایشان جز دو زمود که ای گروه بدی کن خدا و نمرود
اَنْقَالَ تَعْوِيهِ چون گفت ابراهیم سوره ما را که نمرود علیه السلام در میان ایشان بود

بصیغه جمع آورد

بشارت بفرزند ابراهیم

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

کرده ایم و ایشان را فرستیم بَشِيرًا وَنَذِيرًا بشارت دهنده و ترساننده وَأَنْزَلْنَا وَفرستادیم
کتاب را مَعَهُمُ الْكِتَابَ با ایشان کتاب را بِالْحَقِّ بحق وَالْمِيزَانَ و ترازو
بلکه کرده ایم این کتاب را ترتیب داده ایم آیات تورات را بر دلیل و تفصیل
کرده و گفته لِيَقُومَ تا بپا خیزد النَّاسُ مردمان را بِالْقِسْطِ
و بپا خیزد مردمان را بعدل وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ و فرستادیم آهن را
فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ در آهن سختی است سخت وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ و منفعتها
مردمان را وَلِيَعْلَمَ و تا بدانند اللَّهُ خدای را وَرُسُلَهُ و فرستادگان او را
بِالْغَيْبِ بی دیدن او إِنَّ اللَّهَ بدرستی که خدای قَوِيٌّ قوی است
عَزِيزٌ عزیز است وَلَقَدْ و بدرستی که ما أَرْسَلْنَا فرستادیم نُوحًا
نوح را وَإِبْرَاهِيمَ و ابراهیم را وَجَعَلْنَا و کردیم فِي ذُرِّيَّتِهِمَا
در فرزندان ایشان دو النُّبُوَّةَ پیغمبری وَالْكِتَابَ و کتاب را فَمِنْهُمْ
پس از ایشان مُهْتَدٍ راه یافته وَكَثِيرٌ و بسیار مِنْهُمْ از ایشان فَاسِقُونَ
نافرمانند ثُمَّ قَفَّيْنَا پس از آن پس فرستادیم عَلَى آثَارِهِمْ
بر پی ایشان بِرُسُلِنَا فرستادگان خود را وَقَفَّيْنَا و پس فرستادیم
بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عیسی پسر مریم را وَآتَيْنَاهُ و دادیم او را الْإِنْجِيلَ
انجیل را وَجَعَلْنَا و کردیم فِي قُلُوبِ در دلهای الَّذِينَ
آنانکه اتَّبَعُوهُ پیروی کردند او را رَأْفَةً مهربانی وَرَحْمَةً و رحمت
وَرَهْبَانِيَّةً و ترسا شدن ابْتَدَعُوهَا بدعت کردند آن را
مَا كَتَبْنَاهَا نوشتیم آن را عَلَيْهِمْ بر ایشان إِلَّا ابْتِغَاءَ
نوشتیم آن را بر ایشان مگر طلب کردن رِضْوَانِ
خشنودی اللَّهِ خدای را فَمَا رَعَوْهَا پس نگاه نداشتند آن را
حَقَّ رِعَايَتِهَا نگاه داشتن حق آن را فَآتَيْنَا پس دادیم
الَّذِينَ آمَنُوا آنانکه گرویدند مِنْهُمْ از ایشان أَجْرَهُمْ
مزد ایشان وَكَثِيرٌ و بسیار مِنْهُمْ از ایشان فَاسِقُونَ
نافرمانند يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ای گروه آنانکه آمَنُوا
گرویدند اتَّقُوا بپرهیزید از خدای وَآمِنُوا و بگروید
بِرَسُولِهِ بفرستاده او يُؤْتِكُمْ تا دهد شما را كِفْلَيْنِ
دو بهره مِنْ رَحْمَتِهِ از رحمت خود وَيَجْعَلْ و کند لَكُمْ
شما را نُورًا روشنایی تَمْشُونَ می روید بِهِ بدان وَيَغْفِرْ
و بیامرزد لَكُمْ شما را وَاللَّهُ و خدای غَفُورٌ
بسیار آمرزنده رَحِيمٌ مهربان لِئَلَّا تا
يَعْلَمَ بدانند أَهْلُ الْكِتَابِ اهل کتاب
أَلَّا يَقْدِرُونَ که نمی توانند عَلَى
بر شَيْءٍ چیزی مِنْ فَضْلِ
از فضل اللَّهِ خدای

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

453

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICC0000123

ICO000123

ICO0000123

وجا موزی بود و اگر تقصیر کرده باشد در منظر وَاَوْجَفْتُمْ و در آن بر آن
و در تعجیل نیفتاد و کشتن او در دنیا بعث نمود و دنیا را بر آخرت
خَيْلٍ وَّلَا رِكَابٍ و نه بر شتر سوار شدگانی بر اسپ و شتر
تست و تعجیل نیفتاد بجهت آنکه از نعمت خشنود شود و اهل بیت را اعلام کردن که بر چارپایان اقدام
کرده بر چارپایی از نعمت و دانست زر دنیا را بجهت دوام کردن وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ
بدرستی که خدا از روی جهالت رُسُلَهٗ زود باشد که بر سد ایشان را عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ
ایشان و آن فتح مخصوص حق تعالی است که بگشاید بر هر که وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ
ایشان را قدیر فَمَآ اَفَآءَ اللّٰهُ و در بیان کردن و بیان کردن خدا از ایشان
خدا بر ایشان عَلٰى رَسُوْلِهٖ مِنْهُمْ و بر رسول خود از ایشان فَمَآ اَوْجَفْتُمْ
خواهید هم و در تعجیل کردن و بر شتر سوار شدن و بر اسپ سوار شدن عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ
کرده بر آن از اسپ و صفا بر مشرک آورده وَّلَا رِكَابٍ وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ
بر شتر و فتح آن خدا وَيَقْذِفُ و بگرداند رُسُلَهٗ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ
خدا را بر هر که رسول را بر هر چیزی و اگر او از ایشان غیر مشرک باشد
آنست که تصدیق کرده تو از آن حق تعالی تو دانی که بکار را بقول بگیرد وَاللّٰهُ
بدرستی که بر وجود کار حق عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ و بر هر چیز قادر است
و کشتن ایشان را وَمَا مَنَعَكَ و چه باشد که چنان بطول توجه از ایشان وَمَا مَنَعَكَ
و چون خاموش شد یعنی ساکن گشت عَنْ مُّوْسٰى غضب از موسی غضب او تشبیه
کرد غضبی را که حامل موسی بود علیه السلام بر آن فعل بکسی که اگر باشد بر غیر موسی و آن
او را کشد و از سکون آن بسکوت تعبیر کرد و بیان آنکه غضب و آن سکون بر او
نفس خشم گرفته است برای مخصوص بعلت بر کوه که آن غیر را تعلق است
که بنا بر سکوت الغضب چون خشم موسی علیه السلام فرو نشست اَلْقَى الْاَلْوَاحَ و افکند

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

471

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICD0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

جسم س

ICO0000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

985

تمام را ایاست کردم

ICO0000123

ICC0000123

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

489

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

ICD0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

وقلبه

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

5509

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ذلك بسبب آنست که فرعون و قوم او و متقدمان از جاحدان و ترک دعوت
وَأَنَّ اللَّهَ و دیگر بسبب آنست که خدای لَيْسَ بِظَلَّامٍ نیست ستم کننده لِلْعَبِيدِ
بر بندگان که ایشان را بی جرم بگیرد و تعذیب کند بی موجب بسبب آنکه تکذیب
رسالت رسول خدا صلی الله علیه و سلم کردند و عداوت خداوند قریش با تو
كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ همچو عادت خاندان فرعونست با حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام
وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ و بر عادت آنانکه پیش از فرعونیان بودند از قوم عاد و ثمود با انبیا
ایشان و آن عادت و بود كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ کافر شدند بحجتهای خدای
یعنی بدلایلی که بر توحید فرو نصب کرده بود و خود با پیغامبران انبیا فَأَخَذَهُمُ
اللَّهُ پس بگرفت خدای ایشان را و عقوبت کرد بِذُنُوبِهِمْ بگناهان ایشان که
کفر و تکذیب بود إِنَّ اللَّهَ بدرستی که خدای قَوِيٌّ با قوت و قدرتست شَدِيدُ
الْعِقَابِ سخت عقوبت بر کافران و مکذبان ذَلِكَ این که گفتیم و تعریف کردیم
بِأَنَّ اللَّهَ بسبب آنست که خدای لَمْ يَكُ نیست و نبود مُغَيِّرًا تغییر کننده
نِعْمَةً أَنْعَمَهَا نعمتی را که انعام کرده است عَلَى قَوْمٍ بر قومی
تا وقتی که آن قوم تغییر و تبدیل دهند مَا بِأَنْفُسِهِمْ آنچه حال آن قوم
و صفاتست بی آن جرم از آن نعمت قوم قریش است که ایشان خدای را و رسول پرستی
و دوستی فرزندان بود و بعداوت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و تکذیب قرآن
و استهزا بحال و انبیا و آزار مؤمنان بدل و تن ساختند وَأَنَّ اللَّهَ و بدرستی که
خدای لَسَمِيعٌ شنوا است بسخنان تا از جاحدان عَلِيمٌ دانا بمعتقدات باطن
ایشان و دیگر باره برای تاکید میفرماید که کار قریش در تکذیب تو كَدَأْبِ آلِ
فِرْعَوْنَ همچو صنیع آل فرعونست وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ و مانند کردار پیشینیان
بودند كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ تکذیب کردند در آیات پروردگار خود
فَأَهْلَكْنَاهُمْ پس هلاک کردیم ایشان را بِذُنُوبِهِمْ بگناهان ایشان باز

ICO0000123

والقرابة

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

ع

وقت وسلم ایات آورده بود خبر بود ابیا المرسلین قرآن صرف شرف اسلام و ایمان
و مرد ارجمین تمام شد این آیه نازل گشت و این جایی زمین صرف زیاده
سبب نزول آیه اسلام و نماز و زکوة است و برین تقدیر آیه مکی باشد یا المؤمنین
ای ای مؤمنان شوید و خبر کنید حرض المؤمنین تحریض کن مؤمنان را یعنی برانگیز
و گرم ساز ایشان را علی القتال بر کارزار کردن با کفار ان یکن منکم عشرون
اگر باشد از شما بیست تن صابرون صبر کنندگان در صف کارزار یغلبوا مائتین
غالب شوند بر دویست تن از مشرکان شرط یعنی است یعنی باید که یکی از شما بر دو
و تحقیق از دشمنان شکست یابی در زمره فرار نکنند وان یکن منکم و اگر باشد
از شما مائة صد تن یغلبوا الفا غالب شوند بر هزار تن من
الذین کفروا از آنکه کافر شدند و این بشارت است مؤمنان را بر مشرکان
بسبب آنست که ایشان قوم لا یفقهون گروهی اند که نمی دانند و خدای را در روز
قیامت و ایشان نمی شناسند و از ثبات و درجات فاضل باشند در زمان حق تعالی
قوت ثبات و شکیبایی بر مؤمنان خواهد بعد از نزول این آیه بر مؤمنان واجب
یکی با ده اندیشه ناک شدند و بر ایشان گران آمد پس این آیه منسوخ گردانید
و بود الآن اکنون که این حکم تخفیف کرد الله رحمت خفف الله بگذارد
خدای عنکم از شما وعلم ان فیکم ضعفا دانست که در شما سستی هست
یعنی ضعف بود فان یکن منکم پس اگر باشد از شما مائة صد تن
شکیبا یغلبوا مائتین غالب شوند بر دویست تن شرط یعنی است
یعنی یکی از شما باید که در مقابله دو تن صبر کند و بگریزد وان یکن منکم و اگر
بود از شما الف هزار کس یغلبوا الفین غالب شوند بر دو هزار
تن باذن الله بامر خدا و یاری او والله مع الصابرین و خدای با صابران است
با حمایت و مددگاری بر صبر کنندگان یا بالصبر علی الظفر صبر بر ظفر بود

قال آیه ۶۶

ICO0000123

بعد از نزول

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

وصاحبت الا تفعلوه اگر نکنید آنرا که فرمودم از پرستگی با یکدیگر و خدمت و نیکی
بکنید فتنه حاصل شود فتنه و فساد بزرگ و ان لا تقاتلوا در این وصیت بزرگ
بزرگ در دین یعنی اگر مومنان با دوست یکدیگر نباشند و همدیگر را بکشند هم
و ایشان را و اهل قبلی هم و اهل کفر ظهور کند فساد و فتنه از این بزرگتر نیست
و چون آنحضرت صلعم وفات یافت مهاجر و انصار خبر یافتند و بر ترک آن تصریح فرمود
و یکی بار از قرابت آنحضرت ایشان خبر میدهند و میخواهند که آن امر
و اگر تکرار کردند خدا را و رسول و چون نزدیک شد وفات بود
کرد قبل الله در اوقات فرمود و ان تکذبوا فقد کذب امم من قبلکم
جای دادند اهل بیت را و تقولوا و بگویید که دروغ پیغمبر را در قتال مشرکان
و قولوا آن کرده الی المعروف ایشان نیز مومنان حق بر راستی
بر شما راست و حق و آن حق از قول و تنهوا عن المنکر و بازدارید یکدیگر را از
بدی منع و الذین آمنوا و آنکه ایمان آورده من بعد از پس هجرت
و جهاد کردند و هجرت کردند بعد ابو بصیر و ابو جندل و غیر ایشان و جاهدوا
و جهاد کردند معکم با شما یعنی بعد شما شرف و فاولئک پس ایشان کرده منکم از
جمله شما اند یعنی مهاجران با مسلمانان یکی اند در ایمان و هجرت و جهاد و اولوا
الارحام و خداوند خویشی بعضهم بعض از برای بعضی در ارث
خداوند تر اند بعضی در میراث کتاب الله در حکم خدای تعالی
مخصوص این آیه است که توارث آن جماعت است که سبب هجرت و نصرت میراث
میگرفتند و ان الله بدرستی که خدای تعالی بکل شیء بهر چیزی از مواریث و احکام
و اعتبار نسبت هجرت و نصرت او داناست و اگر هجرت ثانیا و اثبات
کسی که میراث خویش و هجرت از سبب ایشان و اهل مکه و مدینه و انصار و مهاجر
سورة التوبة و این سوره توبه است و بر اتفاق و ناخوشنود و سورة الحج

ICO0000123

ICD0000123

523

[illegible]

ICO0000123

ICD0000123

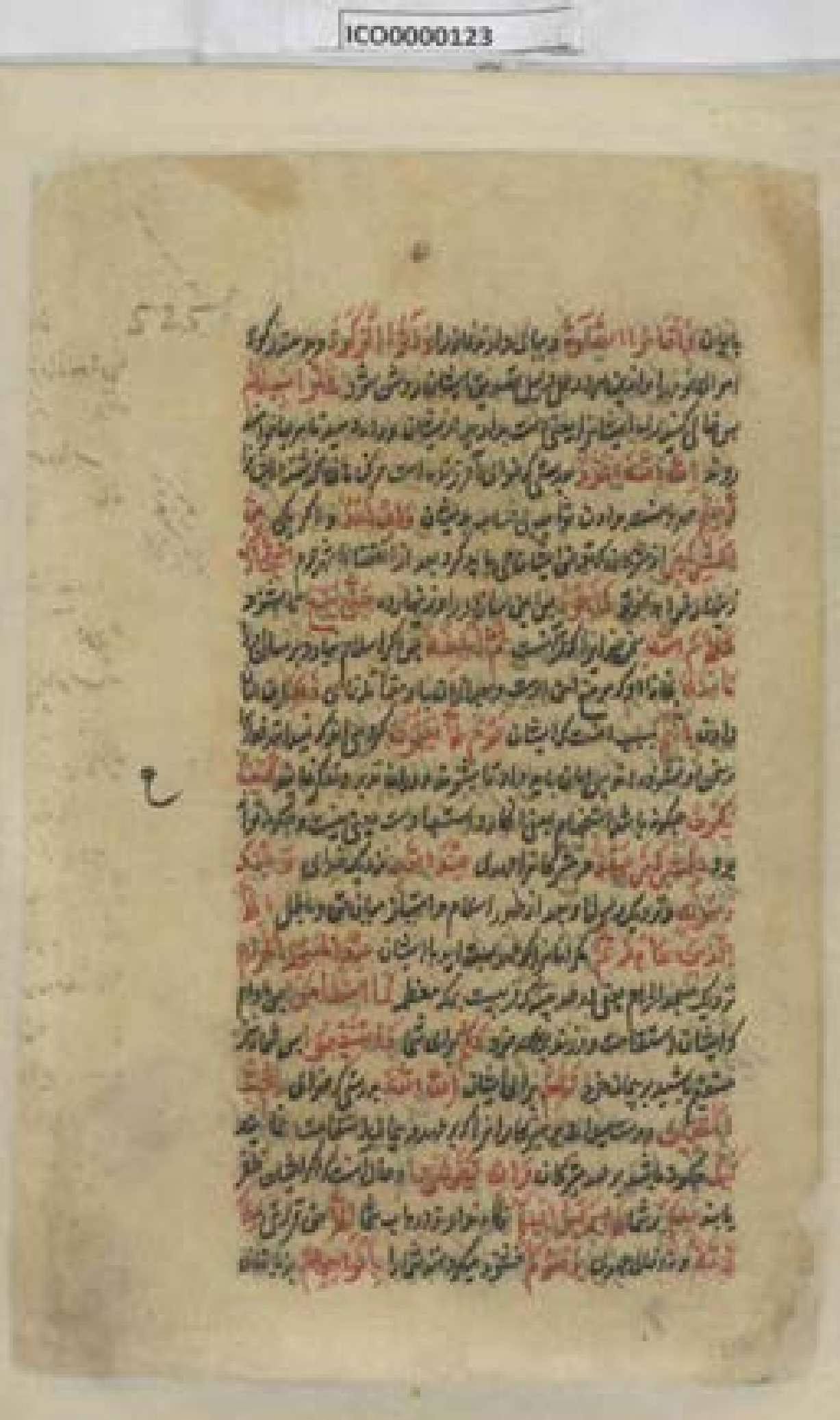

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

کرده‌اند و بر جمیع مساجد باشد و مشرکان را عمارت مسجد روا نیست مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ
در حالتی که کافران باشند مِنْ أَنْ يَعْمُرُوا بر نفس‌های خویش بِالْكُفْرِ بکفر که
سجود اصنام است یا تقرب سید انام علیه افضل الصلوات والسلام یعنی نشاید
که کردن میان دو امر جمع کرد عمارت بیت حق است و عبادت غیر او أُولَٰئِكَ
آن گروه مشرکان حَبِطَتْ تباه و باطل شد است بر اسلام ترک أَعْمَالُهُمْ
عملهای ایشان که بر آن مفتخر اند از عمارت مسجد و سقایه حاج وَفِي النَّارِ و در آتش
دوزخ هُمْ خَالِدُونَ ایشان جاودانه اند بسبب کفر إِنَّمَا يَعْمُرُ مسجد
کسی عمارت کند مَسَاجِدَ اللَّهِ مسجدهای خدا را مَنْ آمَنَ باللَّهِ کسی که بگرود
باشد بخدای و ایمان بخدای تمام نیست الا بایمان به رسول و کتاب وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
و بروز باز پسین وَأَقَامَ الصَّلَاةَ و بپای داشت نماز را وَآتَى الزَّكَاةَ
و داده باشد زکوة را وَلَمْ يَخْشَ و نترسیده باشد و امر دین إِلَّا اللَّهَ
مگر خدای را فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ پس امید کرده شاید أَنْ يَكُونُوا که باشند مِنَ الْمُهْتَدِينَ
از راه یافتگان بطریق نیات ایراد این کلام بصیغه ترجی بجهت اظهار مشرکان
بسبب متوالی آن کرده که چون مفتخر بر کمالات علمیه و عملیه را و بر سقایه حاج
و سدانه بیت حق آنکه کرده که چون اهل اوجوه ناقص از پیدا است که چگونه خواهد بود
جهان که بیشتر بر دوام در معرض شایند و دیگر باید بیشتر تا از آنها توبه باشد و دیگر
توبه نیست از اعتراض بر اهل قریش و بر اهل اشتقاق خود که هر که بطلب خود
از تبعیض از آنها بصورت بیاش و بعلم و عمل کرد اشاره بسبب جهت بسبب دنیا
فرمت دور آورده و در ذکر بعضی از اهل علم و دعا جایز زیرا که این را نسبت
باصل و سرچشمه خود اند و در زمان آنحضرت صلی الله علیه و سلم آن منصب متعلق
بعباس و طلحه بن ابی طلحه داشت و سقایه و عمارت مسجد الحرام بعهده بنی طلحه بود
و در زمان ایشان هر دو باز نقص شد کرم الله وجهه بتمام مفاخرت در آمد عباس

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

کرد و ای شما را ای مومنان فی مواطن کثیرة در مواضع بسیار یعنی مواقع حرب
و معارک کارزار چون روز بدر و روز احد و بنی نضیر و جنگ بنی قریظه و روز احزاب
و صلح حدیبیه و حرب خیبر و فتح مکه و غیر آن ویوم حنین و روز حنین
و آن روز بیست و هشتم شوال که وقایع که حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم با لشکر هوازن
و ثقیف کارزار نمود و ایشان بود که بعد از فتح مکه ایشان دو قبیله متفق گشته قصد
مسلمانان نمودند و چون حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم رسید با دوازده هزار
مرد مقرر ایشان شد و ایشان چهار هزار مرد بودند بر بالای حنین گفت امروز
تغلب الیوم من قلة ما امروز از قلت لشکر مغلوب نگردیم شد بکثرت سپاه اعجاب
نمود و این سخن بحضرت رسید بشنید بود و سبب این عجب در اول حال شکست لشکر
اسلام آمد پس بسبب این قصه را یاد فرمود تا کرم شما را یاری داد در روز حنین
اذ اعجبتکم چون بشگفت آورد شما را کثرتکم لشکر شما فلم تغن عنکم
پس دفع نکرد از شما کثرت شما شیئا چیزی را از مصائب و شدت وضاقت علیکم
تنگ شد بر شما زمین بما رحبت با فراخی و گشادگی
که داشت ثم ولیتم پس پشت دادید و برگشتید از حرب مدبرین
حال آنکه پشت کننده بودید آورده اند که چون بنی هوازن و ثقیف مقرر شدند و با حضرت
رسالت صلی الله علیه و سلم بجنگ آمدند علی و عباس و ابو سفیان بن الحارث
و عبد الله بن مسعود رضی الله عنهم و حضرت در اندر زیر استر سوار بود چون لشکر
ثقیف کردند و تیر انداختند و دلها بانفرت آورد و خدا ایشان را مستر خورده
نصیب بود از تیر و دل بدشمن محمد مستر بود و خدا می گفت انا النبی لا کذب
انا ابن عبد المطلب و عباس و ابو سفیان رکاب و لجام استر را گرفته می کشیدند
که آنحضرت پیش دشمن در آید و از این صورت بر کمال شجاعت سید ما صلی الله
علیه و سلم استدلال می توان نمود که در جنگ روز بر استر سوار بود و هرگز پشت نداد

ICO0000123

ICD0000123

این بیت حسین را بنقل بود که حق تعالی میفرماید و تشریف بدهد از آنچه حسین بلا و محنت
بید تعلیمی عنوان بود سلام علیه و آله بشرف اسلام مشرف گشتند و حقه مشرف
و تعالی آن مرزوق را حقه کنا و تربه کنت را تربیم اعوانست که جواز تقرب مواقف بکنند
بآن تعالی آتی بوا آتی اگر دهد بود در آن مکان اما المشرکون جز این نیست
مشرکان نجس جمع نجس نیست باین و پاکی حقیقت یا بسبب آنکه از نجاست
آن پنهان یا از نجاست نفس پیکرند و ابن عباس رضی الله عنه فرمود که اهل الحرم
کلب فلا یقربوا من باید که نزدیک نشوند المسجد الحرام بمسجد حرام که کعبه
حرام است بعد عامهم هذا بعد این سال که سنه تسع است و آن سال که
آنحضرت با صحابه حج الوداع کرد سنه عاشره بود و امام اعظم رحمه الله گفت که مراد حج
کعبه است و حرم و نواحی آن و آن مسجد حرام و بر آن دو صاحب و امام مالک
رحمه الله میفرماید که در حرم و حرم صاحب قولی بر مسجد حرام و امام شافعی رحمه الله
حرم را در حرم مسجد حرام نمی گیرد فاخشوا و ترسید و ملک رحمه الله
از ترس پیش بسبب منع ایشان از آن است که حج از کفار و مشرکان بر مسلمانان
و ایشان آورده بودند و میترسیدند که بعد از منع حج کفار از حرم
بر ایشان بسبب انقطاع منافع ایشان تنگ بیش شود فسوف یغنیکم الله
پس زود باشد که خدای تعالی توانگر سازد شما را من فضله از فضل و رحمت خود
ان شاء اگر خواهد و اینجا از این وعده فرموده که اهل مکه و قریش که بعد
هجرت از تجارت و حج مسلمانان مشرف شدند و مال آن در دست بود از اسلام بکری بر وجه
یا آنکه اهل حرم را از انتظار زمین مشرکان و اسلام ساخت تا بآن بکار
بر روند ان الله علیم بهر چیز که خواهد و داناست باحوال بندگان حکیم
کسی را است بحقیقت و مال ایشان اگر در حال در شود در حال بکشاید که حرام
اگر ضایع شود بکشاید که ضایع نگذارد بسبب آنکه بیرون شدن احسان از خدا

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

کر اسلام

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

5145

[illegible]

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

531

ICC0000123

تجزیه

باید

ICO00000123

ICC0000123

[illegible]

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICD0000123

ICO0000123

[illegible]

ICD0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

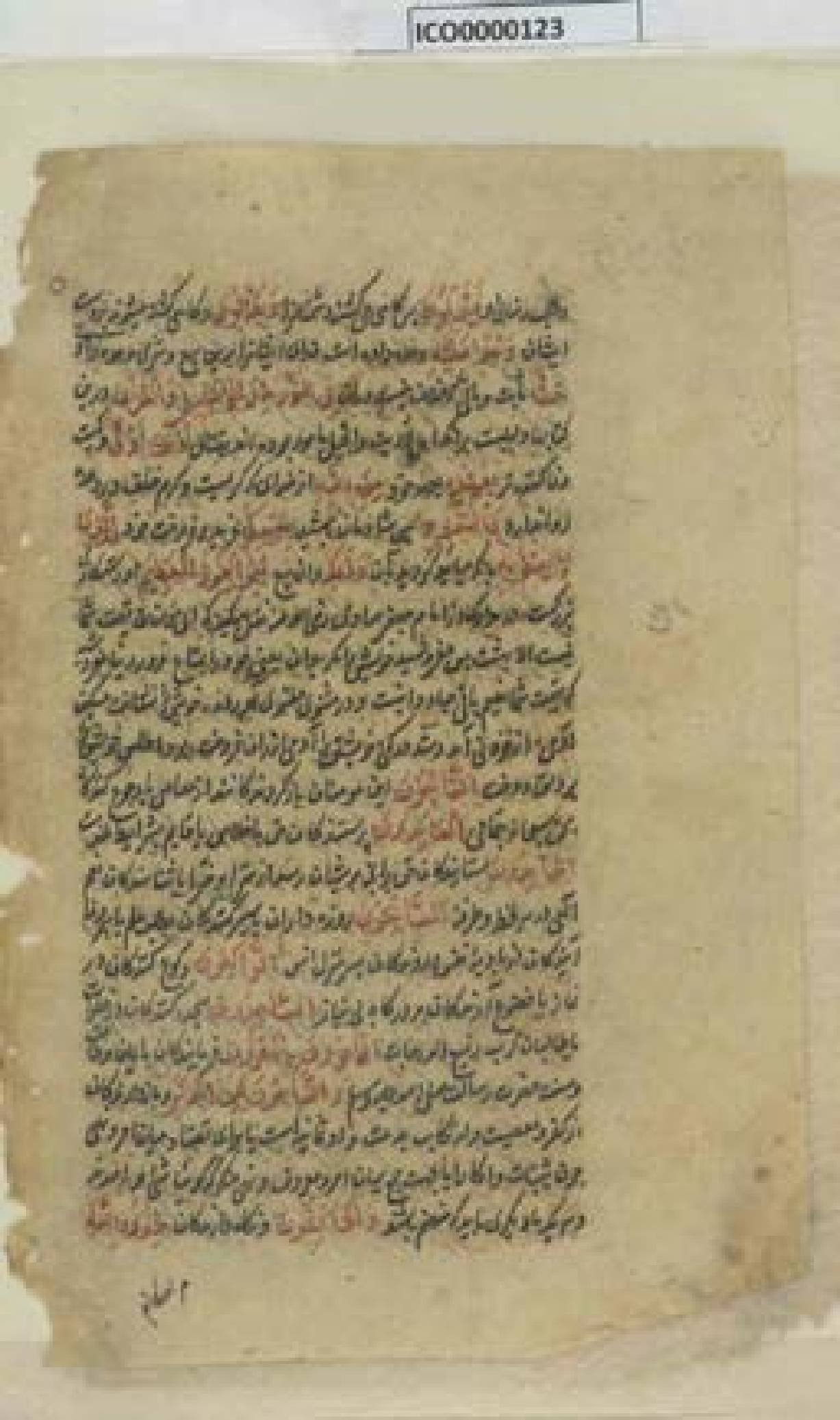

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

585

ربع

ICO0000123

ICO0000123

5787

ICO0000123

ICO0000123

589

ICO0000123

ICO00000123

ICC0000123

ع

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

کنند یا اگر در خدا بحق و حق باطل حاجا از معتقد خود نیست سلم را از انحراف در خواست کنند
و از قوایب بر ما تنزه فرمود که اتخذوا الله آیا فرو میگیرند خدایرا آلهة
با چیزی که فرو میگیرند فی السموات در آسمانها هل یملکون آیا مالکند
و در زمین انتفاء
ملکیت انتفاء معلوم است یعنی نمی میگیرند آنها را شریک است و اثبات
ملکیت بیان میکند و خود او فرمود که مالک است یعنی چه بیان این را قبول نمی
معلوم شد که شریک نیست و قیامت نزاید و در سوره الانبیاء صلوات و سلام
که فرو میگیرند خدایرا چیزی که در آسمانها و در زمین نیست یعنی فرو نگیرند بارها
پاکست خدای و برتر است عما یشرکون از آنچه انبیاء خدا را
و ما ارسلنا من قبلک و نفرستادیم پیش از تو
و در زمان آدمیان الا نوحی الیه مگر وحی میکردیم بدو
متحقق بود دین اسلام و در زمان آدم علیه السلام یا بعد از او انبیاء فرستادیم که قبول
علیه السلام و اصحاب سفینه کسی نبود که متحقق بود و خود که در زمان بعثت
صلوات الرحمان و سلام علیه
پس اختلاف کردند بسبب بعثت
رسل یعنی بعضی ایمان آوردند و بعضی کفر اصرار ورزیدند یا در دین
استعمال مقرر بود و غرض مختلف شدند بسبب قرب و بعد بلی که اهل جاهلیت اختلاف
کردند و لولا کلمة و اگر نه کلمه است سبقت گرفته است
آن جاهلان و یعنی حکم ازل واقع شده بتاخیر جزا تا حاصل و فارغ باشد حیات
مختلف ذکر کرده لقضی بینهم هر آینه حکم کرده میشد میان ایشان
در آنچه که اختلاف دارند
اختلاف میکنند یعنی قرب یا جوار
و مبطل باطل شود و حق باطل
و میگویند منکران آیات یعنی
منکران مکه لولا انزل چرا فرستاده نشد علی محمد صلی الله علیه و سلم
آیة من ربه از پروردگار او از معجزات که مانند معجزات آن تغییر
اعتبارات و اسقاط اصنام و برای آیات که در سوره بنی اسرائیل مذکور خواهد شد

ICO0000123

ح

ICO0000123

بسی بهم کنیم

IC00000123

[illegible]

IC00000123

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

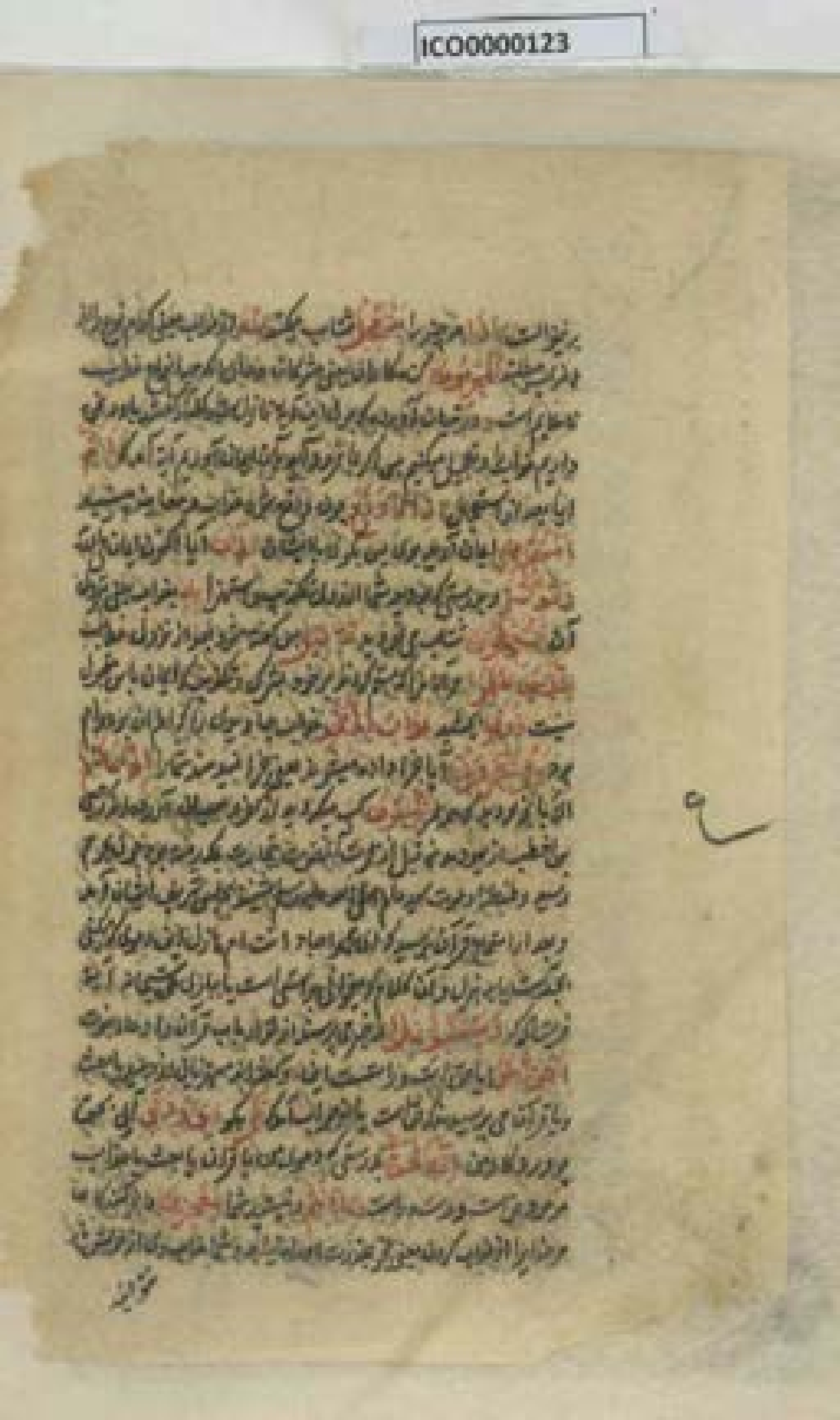

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICD0000123

ICO0000123

ICO0000123

647

IC00000123

ICO0000123

649

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

از زمین یعنی آدم را که بر شما است و راه نطفه را که نسل او از او پیدا شود از خاک
پیدا کرد و استعمرکم از زمین آبادانی و بنا و شما را فیها در زمین و در خاک خاکی
که حال هر یکی از قوم خود از سعید تا بشر از بوده یا شما را قدرت داد بر عمارت
زمین تا منازل خود ساختید و شهرها آباد و در بنای آن استعمال نمودید فاستغفروه
پس آمرزش خواهید از وی یعنی طلب آمرزش شما را بیارزد ثم توبوا الیه پس توبه
کنید بپرستش او از عبادت غیر او ان ربی بدرستی که از خلاق من قریب
باجابت و اعانت کننده است بخلق و دعوت فالوا
گفتند قوم که ای صالح قد کنت بدرستی که بودی فینا در میان ما مرجوا
امیدوار یعنی نشانه رشد و سداد در جمیع حال تو بودی قبل هذا پیش از این که
دعوی نبوت کنی و پیغمبر شوی آیا تنهانا ایا منع کرد ما را عبد ما یعبد
پرستش کرد پدران ما را پرستش می کرد پدران ما را و انا لفی شک
و بدرستی که ما در شک و تردد مریب از آن دعوت که
میکنی قال یا قوم گفت صالح ای قوم ارءیتم آیا دیدید اگر
می باشید بر بینه من ربی از پروردگار خود و آتانی رحمة و داد مرا رحمت
از نزد خود فمن ینصرنی پس کیست که یاری کند مرا من الله از عذاب خدا
ان عصیته اگر نافرمانی کنم او را فما تزیدونی پس نمی افزائید مرا
غیر تخسیر جز زیان کاری و نسبت دادن بعضی نسبت کردن شما مرا از زیان کاری نسبت کردن من شما را

فاعقروها

مشتهر
بیان مشهور
کشتن

ICO00000123

[illegible]

IC00000123

IC00000123

IC00000123

ICO0000123

659

آن دو ملک را حکایت کنند که ما هلاک میکنیم اهل قریه را که مردم ستمکار باشند گفتند
فرستاده شده گفتند هلاک می کنیم ما ایشان را که مردم ستمکار میکردند تا چون رسید وی
بسوی ابراهیم گفت که مردم که ایشان را هلاک می کنیم ما ایشان را بشارت دادند ابراهیم
علیه السلام فرمود ان فیها لوطا قالوا نحن اعلم بمن فیها لنجینه و اهله الا امرأته
که لوط و اهل او را بیرون خواهیم آورد از میان ایشان الا امرأته مگر زن وی
از جمله باقیماندگان ابراهیم علیه السلام بر وی بار تعجب خواست و انتقام از کافران
خود نوحه و بیان نمود و گفت بعضرت حق و گفت ابراهیم علیه السلام
برای آنکه جای بری و از ابراهیم با ملائکه رفت قلبه و ترس او برده و ملائکه
که ملائکه ترس در توقف است تا بیاید و نور گفته ملائکه گفتند
ای ابراهیم ملائکه را در گذر حق جل از این حوالی بشارت ابراهیم
است قالوا بشرناک بالحق از کار تو بعذاب ایشان و لا تکن
که آیند است بر ایشان من القانطین و خواب باز نا کرده بود
بسوی ابراهیم علیه السلام و ابراهیم فرمود ردی بر تعلقات خدا و خود
هر یک هفت هزار مرد و هشتصد زن بود تا بیک سوم رسید که لوط علیه السلام
و اهل او بود نگاه کرد و خود و خود و زن و بچه ها و مکر و بیش بلا فرشتگان
گرد و نزد قال فما خطبکم ایها المرسلون گفت ای فرشتگان ما
علیه السلام سوی ابراهیم و خود بکن شهر بر ایشان انا ارسلنا الی قوم مجرمین
شهر جمعیت ایشان را که است بیان و ارتکاب بسبب که ایشان را و بجا
نرفتن و صور تعالی و نکش بلکه از جوان و پیر با قوم او نشیند
لوطا قوم بعضی این دو زن مخفی است بر آورده و اهل گرفتن تعالی با جایگاه
گفته بود که لوط علیه السلام بعد از خود بود و قوم خود گرامی نمود ایشان را
بگفتند لوط آنها را آورده گفت بیشتر بسیب است تعالی این تهور کار

ICO0000123

گفتند چیست کار ایشان مردم علیه السلام فرمود که گفت که ای پیغمبر خدا
این قوم از جبرئیل علیه السلام بیطایل علیه السلام اشارت فرمود که اینک یک
پس لوط علیه السلام با ایشان در این شهر نشاد و چون مردم از کار رسید تا آن
مگر از قوم و چون بشهر در آمد خود را بر دیوار اعداء مقرر و چون بنا در رسید
با دادا گرد و شهادات ایشان بود که گفت بعضی مردم سیاحات لوط علیه السلام
و چون و غیره بیکران رسید با زن لوط کافر قوم را خبر داد و روی بروی خانه لوط
علیه السلام نهاد و فرمود قوله تعالی و آمدند بلوط علیه السلام قوم او یهرعون
الیه بشتاب در آمدند شهر بسوی او و من قبل و پیش از این و کنت نیز
یعملون السیئات بودند که کارهای بد میکردند از لواط و کبوتربازی و
قوت و بی باکی و برای استهزا انتشق بر سر او سها چون قوم بروی خانه لوط
آمدند و طلب مهمانان کردند زن با قوم گفت ای قوم قال یا قوم
و خبر داد من ایشان را آمده هؤلاء بنتی ایشان اطهر لکم پاکیزه تر مر شما را
تزویج با ایشان بشرط ایمان آرید یا در شریعت و لا تخزون و رسوا مکنید
که حضرت لوط علیه السلام از زنا حرمت و کرم و تربیت و خبر از اغوای مهمانان
کرد و گفتند فرمود بنات نساء ایشان بود چه مرد بی چه دانست خود
از حیثیت تربیت و حرمت یعنی زنان آمده اند که بجای اصلاح خود
پس بترسید از خدای تعالی و فاتقوا الله و پرهیز کنید فی ضیفی و رسوا مکنید
من ضیفان من ایشان آیا نیست از شما رجل رشید مردی رشید که بجای ایشان
دهد و از خلاف بر باز دارد قال لو انّ لی بکم گفت اگر مرا بودی بر شما
که مانع شوم مرا از ایشان قوة یا مرا قوتی و خبر از قوت بر مدافعه
و تغییر قوم او لی بعشیرة یا مرا جمعی از ایشان تا مدد کنند گفت لوط علیه السلام
در جواب ایشان و آوی الی رکن شدید یا مرا پناهی باشد که پناه بر آن توانم

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

جبرئیل علیه السلام گفت [illegible] گمانست یعنی نزدیک یعنی نزدیک است
[illegible] یعنی اندوخت که آمد آن را بعذاب اینکه جبرئیل علیه السلام
فرود آمد بر قوم لوط و زیر شهرهای ایشان در آورد و برداشت تا ندای که اهل
آسمان بانگ آواز سگ ایشان شنوند و نزدیک بر هم کردیم تا سنگ و بعضی
گفته [illegible] کردانیدیم زبر آنکه یعنی زیر و
ساختیم [illegible] بر بالا [illegible] بر آنکه بعضی زیر و زبر کردن آن
[illegible] سنگ [illegible] بالکل [illegible] سنگ گلی است و [illegible]
با آتش پخته شده چون آجر یا [illegible] که [illegible] در آسمان یا نام آسمان دنیاست
یا [illegible] نام جهنم باشد یعنی آن سنگ باران بر [illegible] در آسمان بود یا از
دوزخ و آن سنگها بود [illegible] بر هم نهاده و پایی [illegible] سنگان
[illegible] و [illegible] چون [illegible] پای [illegible] و [illegible] و [illegible] که بد
[illegible] شده بود یعنی آن [illegible] و بر آن [illegible] و بر [illegible] بر آن
[illegible] نام [illegible] که بر [illegible] بر آن [illegible] شده بود [illegible]
[illegible] در [illegible] پروردگار تو بر آن [illegible] ایشان و در تفسیر [illegible]
[illegible] او بر [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] که سنگ بر
[illegible] باران [illegible] در دریا [illegible] بر [illegible] از ایشان [illegible]
سنگ [illegible] بر [illegible] آمد و [illegible] شد [illegible] آورد [illegible] از ایشان [illegible]
[illegible] آمد و [illegible] روز [illegible] سنگ [illegible] بود و در [illegible] با [illegible]
که از [illegible] بیرون رفت بیرون آمد و [illegible] [illegible] و نیست این سنگ [illegible]
[illegible] از [illegible] و [illegible] [illegible] است که
بر [illegible] سنگ باران [illegible] از [illegible] سنگ [illegible] [illegible] سنگ باران
سنگ در [illegible] دست [illegible] بر [illegible] سنگ [illegible] و [illegible] [illegible]

ICO0000123

بعری است کنایت ضرر اگر یعنی اما ترم لوط علیه السلام از مسافران گذر و نیست
در اثنای استغار بوده و بار میگرفتند پس اول آنکه نظر اعتبار در آن کرد و از
خواب و غفلت ترسان شد حال خود را با جان و احسان با صلاح آورد
خانی مذکور و نزدیک یا وقاد و بین یا ساکنان بلده بین
مراد در اینجا شعیب علیه السلام فاتبعوا قوم اعتبروا و اتعظوا کنان
پیروی شعیب را چنانکه نیست تو را [illegible] چه خواهی کرد
و لا تنقصوا المکیال و مقاصد و کم مکنید چیزی را در پیمودن مکیال
و ترازو را در سنجیدن مرزوقات [illegible] بدرستی که من
با تو نیکی و نعمت بیش در خیر و رخاء بخشیده و بیش با خود شما با خیانت
بلاء و قحط و تنگی و رنج و تنگی کنندگان است که دوم و از حال خود بیرون
ساز و بیاد آنکه از حق ایشان باز گیرید و بدرستی که من [illegible] می ترسم
بر شما با این خیانت کردار چه [illegible] عذاب روز کرد در آنچه
توصیف یوم یا محیط احاطه عذاب است و وقوع آنست عذاب یعنی در آن
عذاب کرد شما را روز کرد که همه کس را بر پای نیاید مراد عذاب کیاست است
یا عذاب استیصال و جوع نبی که روز تنقیص کیل و وزن اوزان کنند اینجا
آن مراد غایت مبالغه است [illegible] برای کرد [illegible] تمام
پیمانه مکیال را به پیمانه و [illegible] تمام بسنجید مرزوقات را بترازو
بعدل و راستی و ای قوم یا وجود خیانت در کیل و وزن مرا چیزی بخرید
آنچه از بازار میگرفتند و اطراف درم و دینار را می بوده و در آن ریب میکردند
و لا تبخسوا الناس و کم مکنید مردم را [illegible] چیزهای ایشان یعنی
بهاء مرا چیزی بدیا از آنها کرا از درم و دینار و بر [illegible] و غایت
تباهی مگر نبود [illegible] در زمین بعد از خود [illegible] در حالی که [illegible]

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICD0000123

IC00000123

ICD0000123

673

ICO00000123

ICO0000123

675

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

679

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO00000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

685

ICO00000123

[illegible]

ICO0000123

[illegible]

ICO00000123

یوسف بن زکریا الحلبی و انبا ابو یعقوب یوسف بن زکریا الحلبی
نزدیک در بیرون جوانی بود یوسف و زلیخا و اصطلاب دیده است که صورت آدمی
که بود آنچه از آنکه بعضی مشغول کرده از زلیخا پیش یوسف فرموده بود
و در آن آیت گفت ما جزاء من اراد بأهلک سوءا
بکسانت تقریر کرد اراده نفس خود است درین نفس خواست که برای او سوء کند و چنانکه
زنا باشد بود یوسف است بی گفت ملاطفات کسی که بود و قصد کرد بد چیزی تواند بود
الا ان یسجن کرد اگر بزندان کرده شود یعنی پادشاهی از زنا است
و عذاب الیم با عذاب دردناک یعنی ادب کردن و زدن بازیانه چون یوسف این سخن
که زلیخا و حضرت عزت میکرد گفت رب السجن احب الی
یعنی ای خداوند من زندان دوست تر است و زندان بیکار بود و زیرا گفت یعنی اینکه
بود و انبود بیکسی از این و انبود بیکسی از یوسف گفت در آن حال که کودکی بود یا سه
گواه بود گواه من او است و آنچه کودکی بر خدا زلیخا بود و نیز گفت کودکی بود یا سه
بود و خود و بیکی و سخن کرد یوسف نبود که فرمان من تقاضا است بر آنکه او بود
در لطایف بیان آورده که در جزء از آن گواه که بر سید بود میگویند کودکی بود که در
بغل مادر بود و گفت یوسف راست میگوید و حق تعالی از زلیخا خبر داده بدین آیه
که ان کان قمیصه و اگر این پیراهن ان کان قمیصه
پس اگر زلیخا بود و کان من الصادقین گفت گواه از زلیخا
پیراهن یوسف قد من دبر پاره شده از پس صدقت پس زلیخا راست میگوید
و هو من الکاذبین و یوسف از دروغ گویان است و این صورت دلیلست بر آنکه
زلیخا دست یوسف میکرد و اگر پیراهن او از پیش در پس بود یان کان قمیصه
و اگر است پیراهن یوسف قد من دبر از پس پاره شده فکذبت پس زلیخا دروغ
میگوید و هو من الصادقین و یوسف راست گویان است جواب این حال و دلالت بر آن

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

691

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

695

[illegible]

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

703

[illegible]

ICO0000123

IC00000123

[illegible]

ICO0000123

گفت گفتند ما نیز بودیم که برادر خود را یاد دیدیم او را از پدر دور داشت
که ما ایم و بجای او در چاه یوسف علیه السلام فرو کرد و انسیم بنشستند از آن
دو جا نزدیک ساط بنشستند و حکم شد که نشستن خوان آن سه تن پیش از آن نهادند
پس یوسف علیه السلام گفت مرا و برادر را از یکدیگر جدا کردند و مادر ما بر یکدیگر خوان طعام
مرده کسی بر یکدیگر خوان نشستند و من با این تنها مانده یکدیگر بیست
تا پیش خود یوسف بنشیند تا کتاب مرده را فرو خورد چون پیش آمد رسید و
جوانان کنعان را برداشت پیش خود گفت ای ملک ما از مردی که سر کسی با برادر
ایشان خود بر یکدیگر خوان نشستند مرا و برادر را در چاه انداختند یوسف خود را
یاد آمد با خود گفتم اگر او بودی با من بر یکدیگر خوان نشستی و تنها نماندی از
غرق این حال که فاقت خدم و سبب کرد و پیش من این بود یوسف گفت
علیه السلام پیاده خود را در زبان و با تو بر یکدیگر خوان نشستم این بطریق تا خوان
ولی بود و نشست و در پس پرده آورد و خود را بر طعام و بر من بیاند گری
ارک جای داد بیول خود تا برادر خود را چون یوسف خطاب بسته دست طعام
قدر کرد چون با این را نظر بر دست یوسف افتاد بیست یوسف بر سید که
این چه کریاست گفت ای ملک چه ماتم است این دست تو دست برادر من یوسف
همین که یوسف این کلمه شنید طاقتش نهایت رسید نقاب از چهره برداشت
و چون با این را گفت ارک گفت و انا اخوک برادر تو منم
تبتئس می خور و غمگین مباش فلا تبتئس باد کر خود را در آن
بنیامین چون دید که یوسف را بدید و این سخن شنید دیگر باره از خویش برفت
و با خود آمد و دست در گردن یوسف افکند و بنیامین گفت بیت این کی بیتم
بیرادیست یا رب خواب خوشیش را در خیال راحت بی از خیال خواب
دیگر دست در آن یوسف علیه السلام زده گفت دیگر از تو مفارقت نمی کنم

ICO0000123

707

یوسف گفت ای برادر اهتمام بدر بشان نمود و فرستادم اگر ترا این بیانات ظاهر نمود
زیرا که خود را مصلحت دانی ترا با برخیب متهم سازم تا نزد من باقی نباشی
که از آن باک ندارم پس یوسف فرمود که برادر را بخانه برد و این امر خفی را
از پس پرده بیرون آورد و حکم خود را در سازش گفتا بیان کرد قال معاذ الله
یعنی ان معاذ الله که سازش کرده ایشان را جعل السقایة فی رحل اخیه
سقایه را در آن خرجه بود از نقره یا زر یا زبرجد و غرض یوسف که ملک آن زمان
خورد نی در این وقت بجهت خرید و فروش است طعام از آن جا ساخته بود و نزد یوسف
بود و نام او آنرا اخیه کرد ثم اذن مؤذن ایها العیر انکم لسارقون
دیگر آنرا مکمل کرد و ایشان را اجازت رفتن داد چون از شهر بیرون رفتند
بر راه در آمدند از ملازمان یوسف از عقب روان رسیدند قالوا
یعنی نزد او گفتند که ایها العیر ای کاروانیان انکم لسارقون
بدرستی که دزدانید بدان معنی که یوسف را از پدر جدا کردید و گفتند
شادی کنند این معنی را بفرمان یوسف گفت الفقیه جزای قوافل
بعقوب بیاسلم رسید قالوا گفتند ماذا تفقدون و دزدی کردید چه چیز
چه را ماذا تفقدون که چه چیز گم کرده اید و چه چیز قالوا نفقد
چه چیز صواع الملک مرتبه ملک را چه نظر بود و لمن جاء به
هر کس که بیارد آنرا حمل بعیر بخشیده از طعام شتر است و انا به
بدان زعیم کفیلم و پایندانم قالوا تالله گفتند قسم بخدا
لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الارض ما آمدیم تا فساد کنیم در زمین
و ما کنا سارقین ما دزدی نکردیم قال فما جزاؤه گفت فرعون
ان کنتم کاذبین اگر دروغ گویید و دزدی کردید

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

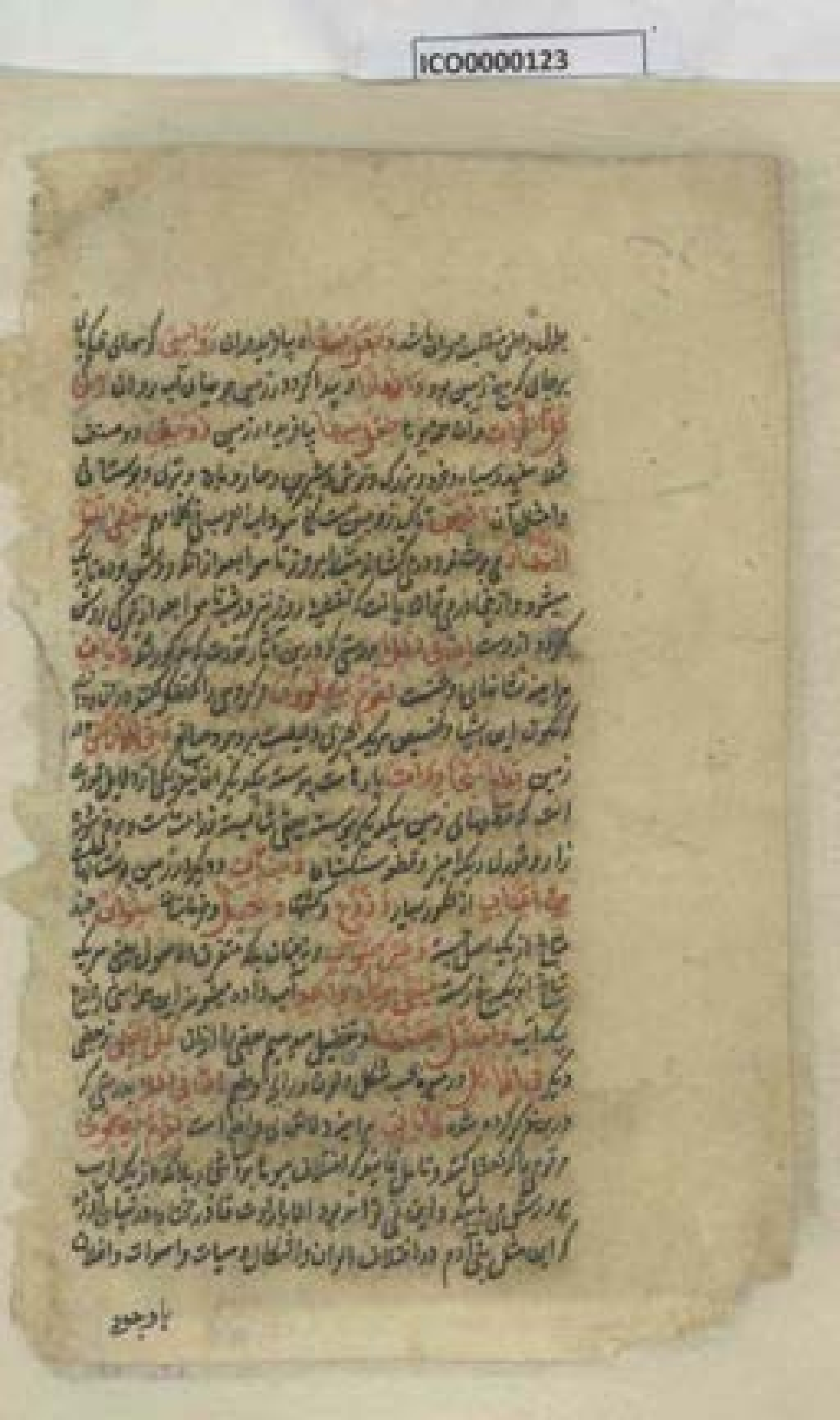

باد جمع

ICO0000123

آنستکه

آنچه

ICO0000123

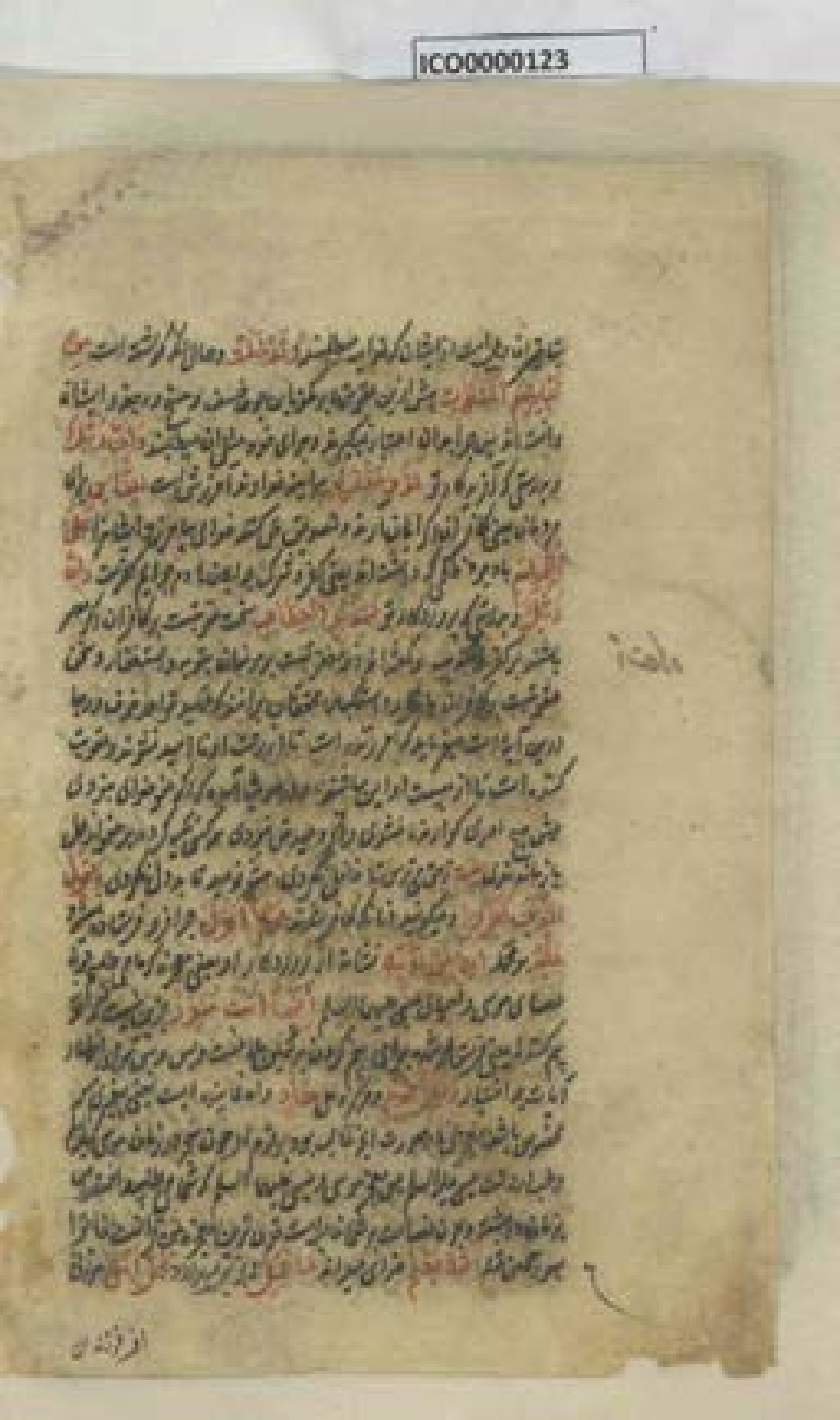

ICO0000123

7251

ICO00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

بهشت باشد وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا وَآنکه اجابت نکرده باشد لَهُ مَا فِي الْأَرْضِ
جَمِيعًا مر ایشانرا آنچه در زمین است جمیعا
از نقود و جنس و متاع و ضیاع وَمِثْلَهُ و مانند آنچه است یکی نقد باشد
یعنی آن قدر که نقود و اموال است و بآن اضافت کند هر دو در تصرف آنچه
باشد روز قیامت لَافْتَدَوْا بِهِ مر اینچه فدا کنند آنرا تا از عذاب برهند
أُولَٰئِكَ آن گروه لَهُمْ مر ایشانرا است سُوءُ الْحِسَابِ بد حساب
حساب کردن ایشان بقول نکند حساب ایشانرا بنا بر آنکه ما در دنیا
باز گشت ایشان جَهَنَّمُ دوزخ باشد وَبِئْسَ الْمِهَادُ و بد آرامگاه است
أَفَمَنْ يَعْلَمُ آیا کسی که میداند أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ
که فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو الحق درست و راست است یعنی قرآن
رضی الله عنه كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ همچو کسی است که نابینا باشد مراد ابو جهل
یعنی ابو جهل نابینا اند إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ جز این نیست که پند پذیر میشوند أُولُو
الْأَلْبَابِ خداوندان خردها یعنی خردمندان الَّذِينَ يُوفُونَ آنانکه وفا میکنند
بِعَهْدِ اللَّهِ بپیمان خدا که در روز میثاق بستند وَلَا
يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ و نمی شکنند پیمان را وَالَّذِينَ يَصِلُونَ و آنانکه
پیوند میکنند مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ آنچه فرمان داده است خدای بآن أَنْ يُوصَلَ
که پیوند کرده شود یعنی ایمان بجمیع کتب و رسل و جز این میان ایشان
وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ و می ترسند از عذاب پروردگار خود وَيَخَافُونَ و ترس
میکنند سُوءَ الْحِسَابِ از بدی حساب وَالَّذِينَ صَبَرُوا و آنانکه صبر کردند
بر طاعت و بر ترک معاصی و بر مصیبتها ابتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ از برای
طلب رضای پروردگار خویش وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ و بپای داشتند نماز
فرض را وَأَنْفَقُوا و خرج کردند مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ از آنچه روزی دادیم ایشانرا

ICO0000123

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

735

CO0000123

تا مطرب شوند

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

IC00000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

7147

IC00000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

بعضی از مردم بر ابلیس بدرستی که قول او را شنیدند
و اما قوله تعالی فانظرنی الی یوم یبعثون پس بدرستی که برگشت و دیدار او که ابلیس
تا روز قیامت بجهت آورده که تا روز قیامت بر تو مهلت کنند و بعد از آن
بتو رسد که نیست از آن روز کی تا روز قیامت گفت ابلیس که ای پروردگار من
فانظرنی بمهلت دهی مرا تا روز قیامت که برانگیخته شوند مردم
و قول ابلیس که بود که نبود جوهر است که جواب از کیست و چیست از اجابت
کرده و اما گفت تعالی حدیث اسمی قوله تعالی الی یوم الوقت المعلوم
الی یوم الوقت المعلوم تا روز معلوم یعنی فنای خلق یعنی اولی که صعق
کرده بود قول جمهور آنست که قول اول قول صوفیه است و قول ثانی اخبار
دین و قول بیرون اخبار علی خواهد بود پس ابلیس چه بدین سان که مرا
بیشتر بگیر انگیخته شود تا روز گفت ابلیس که ای آفریدگار من
بسبب آنکه بر گمراه کردی مرا بسبب آنکه آدم را سجده نکردم
برای آدم میان گناه و اما قوله تعالی لازینن لهم فی الارض و لاغوینهم
و اما گفت آورده که ابلیس زینت خواهم کرد مر گناه را
تربیت بهشت از آنکه خدای تعالی بیرون کنم و گمراه کنم
و تفاوت آنکه در میان این مردود و قایل قرآن بر اندازه سوگند
بصفات ذاتیه بعزت و رحمت و قدرت و قوت و صفات فعلیه
فعل جزا و رحمت و غضب و امثال آن چون نیست مراد آنست که
بعضی بر طرف باشد مر جمیع بنی آدم را سوگند قرآن گفت بین
و اما قوله و بعضی بر اخلاص کرده باشد مر با اخلاص باشد یعنی بسبب
آنکه مرا گمراه کردی من نیاراستم اعمال در شر مردمان
و گمراه سازم همه ایشان را الا عبادک منهم المخلصین مگر بندگان تو از ایشان

بعضی

ICO0000123

التفسیر خاص قوم کافران شوا پیدا کرد بهلی و خلق کرد ترتیب ایشان را اقتربا
تا گفت خدای تعالی ایاک نعبد ایاک نستعین راست است که خدای تعالی
علی رضی رحمت آن الصراط راست است بهر کی خواهد و زاید بمقصود میرساند
و گویند علی بمعنی الی است یعنی اهدنا الی الصراط راست بهر ما
بر رستی که رستگاران می یعنی المصلحین یعنی راست نیست ترا طریق مصلحان
برایشان قوی و مستقیم در اقرار و انفعال یا من انعمت علیهم مگر آنکس که متابعت
ترکند علی الخاصین از کرامات که تو بر وی مسلط توانی شد و ان جهنم
و بدرستی که دوزخ لموعدهم وعده گاه ایشان است یعنی متابعان
الغیر مر ایشان را سبعة ابواب هفت در است لکل باب
منهم از گمراهان جزء مقسوم بهره ایشان قسمت کرده شده مراد
از ابواب طبقات است و برای هر طبقه قومی مقرر و معین شده جهنم جای کنده
کارانست از اهل توحید نفی مقام ترسا یانست مطلقا و اهل شرک و هم
ترسا یانست سخت سیر است بجهنم جای شرکانست یا دیه آدمی را اسفل
که بیخ تا فرو مغاکانست امام ابو منصور ماتریدی در تاویلات از قول
که مراد از ابواب طبقات است و بر مومنان در دوزخ جاودید نیستند
ایشان را طبقه نباشد پس طبقه اول تا فرو و مرتبه است و دوم از آن شوریه
و مشرکان عرب و سیوم از آن یهود که مطلقا منکر رسالت اند چهارم از یهود
پنجم از نصاری ششم از آن مجوس هفتم از آن منافقان و ذو الحجاج بن
آورده که دوزخ بعد و ترکان و اختصاص در است عوامی و شهوت و حقد و حسد
و غضب و شهوت و کبر و در تفسیر رخصت مذکور شده که دوزخ را هفت در
از آنست که انسان هفت گانه آدمی که چشم و گوش و زبان و دهان و فرج
و پایست هفت در جهنم کشوده اند و هر مقصودی را از باب مورد طریق گرد آمده

IC00000123

789

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

فرود آید [illegible] یا ایشان از آنکه بیاید بر ایشان عذاب الهی
[illegible] از آنجا که خواهند و امید دارند از خدا بر قوم لوط علیه
السلام [illegible] یا از آنکه بگیرد ایشان را [illegible] در گشتن ایشان
یعنی در رفتن و آمدن از شهری بشهری برای تجارت [illegible]
[illegible] از دست ایشان [illegible] یعنی نیست ایشان عاجز کننده
خدا را از عقوبت خود [illegible] یا بعد از آنکه بگیرد خدای ایشان را
[illegible] بر ترس از هلاک شدگان یعنی ترسان شوند از عذاب الهی که
پیش از ایشان بوده اند و در حین جان ترس عذاب بر ایشان فرود آید
[illegible] پس بدرستی که پروردگار شما [illegible] مهربانست که بردبار است که
[illegible] عقاب [illegible] است که تعجیل نمیکند در عقوبت ایشان [illegible]
[illegible] این کافران [illegible] پس از آن [illegible] است خدای [illegible]
[illegible] از چیزی که او را آفریده است [illegible] میگردد سایه های آن
[illegible] از راست و چپ یعنی از سر جای [illegible] سجده کنان
[illegible] و خدا را [illegible] رجال [illegible] ایشان را [illegible]
و در تفسیر زاهدی آورده که معنی آیت آنست که کافران را سجده نکنند چون
که سایه های ایشان را خضوع و خشوع میکند [illegible] و خدا را
سجده میکنند [illegible] ابن در آسمانها است از مخلوقات [illegible]
و آنچه در زمین است [illegible] از جنبندگان [illegible] و فرشتگان
میکنند فرشتگان و تخصیص ایشان بذکر در عبادت و اخلاص در عبادت [illegible]
است یا بسبب [illegible] در سجده و موجب این قرار است [illegible]
و فرشتگان سرکشی نمی کنند از عبادت او صاحب تبیان گفته که سجده در لغت
است بمعنی عبادت که وضع جبهه است بر زمین از روی بر کشتن و آن سجده

ICO0000123

فواي

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICC0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

از حمد بتو فتح

ICO0000123

ICO00000123

ICO0000123

ICO0000123

815

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

819

ICO0000123

ICD0000123

821

IC00000123

ICO0000123

823

IC00000123

ICO0000123

825

نور الناس ش
١٩

ICO0000123

ICO0000123

827

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

535

ICO0000123

ICD0000123

837

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

341

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO00000123

865

1000000123

ICO0000123

947

ic00000123

ICO00000123

1000000123

ICO0000123

851

IC00000123

ICO0000123

IC00000123

بجز جامع [illegible] جامعیت در [illegible] و فرمود که کرامت انبیاء روحانی
جسمانی و روحانی جسمانی تمام است زیرا که شود از موضع کفر و ولادت تغیر طبیعت
و بشارت پیدا و تغیر در رحم و حمل و ولادت و غیر آن با اطفال و در کهولت
قامت و انزوا پیدا و کمال با صباوت و تمیز بعقل و فهم و تمیز بعقل و فهم
بنطق و اسد رحمت خطاب و با نفس با صباوت و عیشت و نکی از فرق و تمیز
و روحانی و فرق است حاضر و غایب اما از جامع است موضع و کلام و در ان شریکند
جز ان نفخ روح و ولادت آنها از آدم صلی الله علیه و سلم و ایجاد قول الله تعالی
و اخلاق بر اسباب بلی و صدور کلمه و بیت و زیادت بر فطرت و ارسال رسل
و بیان و انزال کتب برای ایشان و ترغیب بشرایع جنانی و تحریض از خوف
بنیرانی و اظهار آثار قدرت و دلایل [illegible] جلال ایشان اما کرامت روحانیه
خاصه آنست که انبیاء و اولیاء و موضع ایشان را بر ان کرامتی از جزئیات و رحمات
و ولایت و رعایت و ایمان و اسلام و عبادت و اعمال و اخلاق و آداب و سیر
الی الله و فی الله و باالله و بصور و مقامات و ترقی از ضایق تا سوی الجزئیات
تا سوی موضعها از ثانیه و بقا بهر تبه و اما آنکه در موضع نیاید محمد
کتب کرامات و بیان دانست که حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم
از ایشانست و ای شرف و دولت آدم شود و در حق او و مقام شریف ادیت
که خلیل نیست کسی برین خواتی که خلیل نیست از تو صلاحی با است
نیست بعد ای است آمده و در حقایق سلم آورده کرامی ما نیم آدمیان را
بمعرفت و توحید و بهشتیم ایشان را در بر کشف و بر قلب و کشف آنرا
کشف دارد از معرفت و صفات و بر آن مشهور است از قبایل و صدور
کاشفی مذکور است که تمام اجساد بود و بر کمال اروح و بر دو اشتق ایشان
مرکوب و مرکب اطاعت از سر دور و رزق دایم ایشان را از طیبات طعوم و معارف

و نفس

ICO00000123

855

IC00000123

ICO00000123

[illegible]

ICC0000123

ICO0000123

8859

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICQ0000123

است بلیت قرآن وَقَالُوا وَكَفَّرُوا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ آیا آن وقت که گردیم ما مبعوث
وَرُفَاتًا وخاکهای پوسیده شده أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ آیا ما برانگیخته شدگان هستیم
خَلْقًا جَدِيدًا از خلقت نو بعد ایشان خلق جدید را انکار بود تر در صاحبی صعود
سوخته شوند و بار گرشت و پوست ایشان را تازه سازند تا خواهند بگفتند أَوَلَمْ يَرَوْا
آیا نمی بینند و نمیدانند أَنَّ اللَّهَ آنکه خدای که بقدرت خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ پیدا کرد آسمانها و زمین را بآن عظمت و وسعت بی مادّه قَادِرٌ
توانا است عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ بر آنکه بیافریند مِثْلَهُمْ انچه خواهد بگردانیده بمثل ایشان
از نفس ایشان چنانکه مشکل ما تنها آنرا ای است بین میتوانید در انکه نادر چیزی
چیزی از نیست قادر است که باز پیش تر آفریده شده کند را ما آنرا وَجَعَلَ لَهُمْ
و بدرستی که خدای مقرر کرده است برای ایشان اجلًا هدف که لَا رَيْبَ
فِيهِ هیچ شکی نیست در آن و آن زمان مرگ است یا قیامت فَأَبَى الظَّالِمُونَ پس ابا کردند ظالمان اهل مکه
که نپذیرفتند إِلَّا كُفُورًا بی باز نشدند و نخواستند شکر آن را بلکه
وضوح حق إِلَّا كُفُورًا مگر انکار و جحود بعث را بگمان آنکه آنرا قُلْ لَوْ أَنْتُمْ
تَمْلِكُونَ اگر شما مالک شوید و در تصرف آرید خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي خزینهای
روزی پروردگار مرا که خلق ان میدهد إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ آنگاه هر آینه باز ایستید
و بخل ورزید خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ از ترس درویشی بلا از خرج کردن مال
بنفقه دادن. ما در دل فرو کرد اگر یکی از آن خزانه مالک خزاین نعم تعالی
شود هر آینه بخل او با وجود انکه متصرف خزانه بود بهمت اظهار برای نفس خود
آنرا با نخواهد گرفت و انکه خزانه آن خزانه ترسید و خدای در خزانه خود از
دو چیز خزانه است وَكَانَ الْإِنْسَانُ و هست آدمی قَتُورًا بخیل و تنگ
وَلَقَدْ آتَيْنَا و بدرستی که ما دادیم موسی را تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ نه آیت
روشن یعنی معجزه آشکارا که آن عصا بود و ید بیضا و سنین و طوفان و ملخ و

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

IC00000123

869

هر آینه تنزیل قرآن یعنی نازل کننده کتب آسمانی فرستاده از رب العالمین
نشده و ما را بر تو بر عطا کرده بر زبان امین سلام و روح الامین و از سوره و بیان
اما از انصاری یا جاهلی بر این جهت علی و ابوذر و در روز بین نوشته
ایشان را و اشکال نیست بر قول خود و شوند آن را بر ایشان
بیفتند بر زمین بر روی یا سجدا در حالی که سجده کنند برای خضوع
خدای یا بجهت شکر ایشان زیرا که آنچه در کتب خود خوانده بودند از ارسال
و انزال قرآن و یقولون و گویند سبحان ربنا پاکست پروردگار ما از
خلف وعده ما که بر ما وعده کرده بود ان کان وعد ربنا وعده پروردگار ما
لمفعولا هر آینه واقع است وعده او و یخرون للاذقان بیفتند بر زمین
و در زنخ ایشان است که اول چیزی که از وجه ساجد بر زمین ملاقی
آنست گفته اند سجده اول برای شکر است و این سجده بر آن قرار
لاجل و در این سجده فرموده که یبکون و گریند و یزیدهم خشوعا و زیاده کند سماع قرآن
ایشان را خشوعا فروتنی و تضرع این سجده چهارم از سجدات قرآن و حضرت
شیخ این را سجده اصلی خوانده و فرموده که اقتضا به سجده اصلی است بیان
تضرع و از روح قبلی باشد بر قاص یا باطنی یا بر مرد و چون خبر داد که خضوع
ایشان زیاده میشود و خشوع نمی باشد الا از قبلی اهل بیت زیادتی خشوع و قبل
زیادتی قبلی باشد و بر آن تقدیر این سجده قبلی بود و ساجد باید که بر سنت این سجده
از تنبیه قبلی بر وی مذکور شود و تضرع و خشوع او بیفزاید ما قبلی اصل قبلی
و اصل نور تجلی از نور بر صورت اند و در نزد نزد بیش خضوع این نزد
حسی است زیرا که بدان موجب این حسی است آن را در دعا و حضرت پیغمبر علی
علیه السلام در سجود میگفت یا الله یا رحمن مرا بیامرز یا یکی بگو که کفت کردم یا از
و قرآن مع میکند و خود و خواهر را میخواند آیه آمد قل ادعوا الله

IC00000123

بگو ای پیغمبر خدا را یا ادعوا الرحمن یا الله یا رحمن هر کدام که خواهید بخوانید و اسم الله را بر ذات الهی
اطلاق میکنند مقصود از هر دو یکی است و بعضی گویند که اهل کتاب با حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وسلم گفتند که خدای در توریت ذکر رحمن بسیار کرده و تو چرا اسم رحمن را یاد
میکنی آیه نازل شد ایاما تدعوا هر کدام را که خواهید بخوانید فله الاسماء الحسنی پس مر خدا را
نیکو صفت و اسمای نیکو خواهد بود و در روایت تا بهای
نیکو یعنی آن بر صفات جمال و جلال و بر حسن اسمای عظام و اجلال دلالت میکند و حضرت
صلی الله علیه وسلم قرائت بلند میفرمود در وقت نماز مردمان که صلوة بر صدای بلند
ادا میکردند اهل شرک بفحش و اهانت و سخریه و تمسخر مشغول شدند تا خدا جل
حضرت را خطاب فرمود که قرائت کن نه بسیار بلند و نه بسیار آهسته
و اختیار کن در قرائت نماز خود را یعنی بلند قرآن تا مشرکان استماع نکنند و آهسته
بطوری که آواز خود را نشنوند تا مؤمنان که در عقب تو نماز میگزارند
نیز و بطلب کن در میان این دو حالت سبیلا راهی میانه بر اقتصاد
در صدای بلند و آهسته و آورده اند که ابوبکر رضی الله عنه قرآن آهسته میخواند و در حالت
مناجات میگفت و او حاجت می‌خواند و عمر رضی الله عنه بلند میخواند و میفرمود
که شیطان را میرانم و خفته را بیدار میکنم حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم بعد از نزول
این آیه ابوبکر را فرمود که قدری آواز بلند تر کن و عمر را امر فرمود که قدری آواز
خود را فرو آر و بعضی گویند معنی آیه اینست که جهر مکن در نماز و اخفات مکن و در میان
و میان باش و در این وجه که یعنی در صلوة بر جهت اتفاق و در لیل کن
وجه دیگر و بگو ستایش و ثنا مر خدا را الذی لم یتخذ ولدا آنکه فرزند نگرفت
و لا فرزندی را یهود و نصاری و جهودان است که عزیر را و مسیح را فرزند خدا
میگویند ولم یکن له شریک فی الملک و نیست مر او را شریکی در ملک ولم یکن له ولی من الذل و نیست
او را هیچ کس که بجهت او از خواری بگیرد و نیست مر او را یاری

IC00000123

871

IC00000123

ICO0000123

ICO0000123

ICC0000123

حتی اذا ازدیک فود و خذ بنشی یعنی آورش بار و زرک بلا من از عدو و تبقا
لنا و جمیع سایر برای ما حتی اذا قرب از کار ما حتی وقت کذا رسد و سدا و بستی
و بکوی جواب انتوبنا علی اذا بلغا پس رو بیم بر کوشهای ایشان تا بایی که
حتی نشوند یعنی قرار یابند بر ایشان و الکهف و غار سیحا ذا
ذات صوت یعنی خرده و نعتنا بیدا و الکهف یعنی پیدا کردیم ایشان را اعلم
علما بالجهل ذلک اشعار تا بدانند جاهلان که درین کهف اهل الجزیرة
از سوره کرده اهل کتاب پس خبر دهند و کافر یا تقدیس و تنا فرمود
تقریر معلوم کرده که کدام یک از ایشان اذ ایشان اشعی تا بدانند
لنا نهتدوا ابدا از جهت آنکه ما ایشان را هدایت کرده نمودیم غار یعنی
که بسبب زمانه بیت ایشان کم کرده کرده انوار تا بدانند کدام از ایشان
عن نقص ما قصه یعنی خبر ایشان بر تو کما ل حاکم خبر ایشان
بالحق براستی انهم فتیة بدرستی که ایشان جوانان بودند که در دل
آمنوا بربهم ایمان آوردند بپروردگار خویش و زدناهم و بیفزودیم
هدی راه نمودن یعنی ایمان و یقین و ربطنا و بر بستیم علی قلوبهم بر
دلهای ایشان یعنی استوار ساختیم دل ایشان را و قوت دادیم بر راه راست و
و قرار ارزانی داشتیم اذ قاموا وقتی که برخاستند پس بر پا
ایستادند در پیش رب و ایشان را بر پیشی بیت و مرک کرد فقالوا پس گفتند
ربنا پروردگار ما رب السموات و الارض آفریدگار آسمانها و زمینها
لن ندعو هرگز نخوانیم من دونه بجز او الها معبود را اگر بر گوییم
غیر او را لقد قلنا بدرستی که گفتیم اذا آنگاه که دیگر
شططا دروغ هؤلاء این گروه قومنا قوم ما اتخذوا گرفتند
یعنی جمعی از اهل آسمان آلهة خدایان لولا چرا نمی آرند

ICO0000123

ایشان مختبر

ICO0000123

ایشان خبردار کرد و در غار ایشان در طرف چپ کوه جا خالی بود و چون آفتاب
برآمد طلوع و چون بگذرد غروب بر دو جانب او تا ایشان در فضای فراخ بودند و هوا را با خود
باز آورد و در غار ایشان تنگ نشد و این از عجایب آیات خدا است تا ایشان را حقیر و بی‌اعتبار
نباشد و خدا را حقیر نشمرند و بدانند که خدا بر هر چیز قادر است و چون توان بیشتر آفتاب
اذا غربت چون غروب کند تزاور زیبل کند عن کهفهم از غار ایشان ذات
الیمین بر جانب راست ایشان و در غار از جانب قطب جنوبی افتاده و اذا
طلعت و چون طلوع کند تقرضهم بر جانب ایشان و کهف ذات الشمال
بر جانب چپ کوه و هم و ایشان فی فجوة منه در فراخی از غار یعنی در وسط
آن که بیشتر گرد هوا بر ایشان می‌رسد و از تنگی غار ایشان ذلک این
ایشان من آیات الله از دلایل قدرت خدا است من یهد الله هر
را خدا هدایت کند فهو المهتدی پس او راه یافته است و من یضلل و هر که را گمراه کند
فلن تجد له پس تو نیابی برای او ولیا
دوست و راهنمایی که راست نماید و تحسبهم و بخاطر تو ایشان را ایقاظا
بیدار و ایشان را در حالی که ایشان خفته باشند و هم رقود و حال آنکه ایشان
خفتگان اند و گشتن او سر را در دو کرد این حال نمودار کار جز از دلایل قدرت
حق نیست و بر ایشان تنگ نیست که بعد از صد و سی سال بیدار شوند و ایشان را
بدیدار بینی که از سر تا پا از دیدن ایشان خوف و اضطراب بسیار بر تو
مستولی شود و بعضی گفته‌اند صورت ایشان را که ظاهر است با این و از دیدن ایشان
از جهت دیدار ایشان ابن عباس فرموده که اصحاب کهف را در هر شش ماه از جهت
هر جانبی می‌گردانند تا زمین بایشان نرسد و دست از اجسام ایشان نخورد و اگر نه
هر سال دو بار شود می‌گردانند و سگ بر در غار بر طرف ایشان ثابت بود
کما قال تعالی قطمیر و می‌گردانیم ایشان را یعنی ملایکه یا بر ما می‌گردانند ایشان

ICO0000123

ICO0000123

گفت ایشان را فرمود ای مردم گفت دعا از آن داشتیم بقدرت لبثنا او بعضم
تا سوال کنند یا بگیرند کم و حال خود بلکه مدت و بقای آن در کهف از مدت ما بیشتر
قالوا ربکم گفتند کرده شیم فرشتگان یعنی یکشب یا بیش از حساب بود
گفتند که بعد وقت از نگاه در این غار مقصود آن بود تا موقت بلبث باشد
غار تا قوت شود یا آنکه گفتند ایشان بسواد بغار در آمده بود و خود خواب
کم بیشتر آفتاب را بوقت چاشت رسیده دیدند قالوا لبثنا گفتند روز یا
اندکی قوم ما روزها اگر روز روز خواب شده باشیم او بعض یوم یا پاره
از روز را اگر در این روز خفته باشیم پس چون تا شناختند خود را با بسیار و جوهای
در آن یافتند قالوا ربکم گفتند بعضی از ایشان بعضی را پروردگار تعالی
اعلم بما لبثتم داناتر است بآنچه درنگ کرده اید فابعثوا پس بفرستید احدکم
یکی را از میان خود بورقکم هذه درین ادرای کدام الی المدینة بسوی
شهر افسوس فلینظر پس باید که نگاه کند ایها تا کدام از اهل شهر
ازکی طعاما پاکیزه تر مذهب از بهر طعام یعنی بگوید که طعام کدام کس حلال تر
و پاکیزه تر است بعد زمان اصحاب در آن شهر مسلمان بودند و ایمان خود
پنهان داشتند فلیاتکم پس باید که بیاورد لکم برزق پس بیارد
شما را روزی منه از آن طعام پاک ولیتلطف و باید که آهسته برود و حیله
کند در خرید و فروخت ولا یشعرن و نباید که بدانند احد هیچ کس را از
اهل این شهر انهم بدرستی که ایشان اگر از مسلمانان دقیانوس اند
اگر بدانند که مسلمانان در آن شهر باشند یرجموکم سنگسار کنند
یا بازگردانند فی ملتهم در کیش خود
و اگر بدانند که ایشان در آن شهر باشند آن وقت که بر آن دین باشند و در
آن دین باشند ابدا هیچ یعنی هرگز رستگار نباشید یعنی که اهل و اکمل

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

683

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

البقرة

[illegible]

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

دو بهشت را از زر و نقره عمارت بلیس اشتی آب بوشر است بهل تا آنکه وجود است
فوقنا جای بوده ان اذهب اسرا بروشی تا آنکه بگذرد بر تو نگران و
در پیش او و عوا اصحابها جانب و یکدیگر نگاه داری شایست انا لا نضیع تحقیق ما
نمی گذاریم اجر من احسن عملا مزد نیکی را که نیکوتر است از روی از روی کردار ایشان
اولئک ان کردند مر ایشان را بهشتهای عدن نعم مزد خوبی است جنات عدن بهشتهای
اقامت یعنی بهشتهای که بان جنبه بهشتر تجری بر درخت تحتهم الانهار
خازن ایشان با بلا ایشان جویها یحلون پیراسته شوند فیها در آن بهشتها
من اساور از دستبندهای ساخته شده من ذهب از زر و یلبسون و در پوشند
حریر نقل میکند که هر یک از بهشتیان را سه دستبند از زر یکی از نقره و یکی از
لؤلؤ و یاقوت و یلبسون و پوشانیده شوند ثیابا سبزی و از زر آموزند هر یک خضرا
نگر زرکاری باشد در بهشت متکئین تکیه زنان علی الارائک بر تختها و عدها شبها
نعم الثواب نیک پاداشی است بهشت و نعیم آن و حسنت و نیکوست آن منزلا
نگاه یا نیکوست بهشت منزل و جای نگاه واضرب و بیان کن
برای مردمان و کافران مثلا مثل آن کسی است رجلین دو مرد که برای ایشان بود از
بنی اسرائیل یکی یهودا یکی یلیا و او مؤمن بود و دیگر قطروس و او کافر بود و هشت
هزار دینار و از جد بود بر ایشان رسید هر یک چهار هزار هزار صرف کرد مؤمن در
طاعت و خدا خدا فرمود مؤمن خود را در وجوه خیر صرف کرد و حق تعالی از مال
خود باشان خیر میدهد جعلنا لاحدهما دادیم هر یکی از ایشان یعنی از دو
جنتین دو بوستان من اعناب از تاکهای انگور و حففناهما و احاطه
و محیط گردانیدیم آن دو را بخرمابن کرد اگر آنها در آوردیم و جعلنا بینهما
گردانیدیم در میان دو باغ زرعا کشت زاری تا آن دو باغ جای اشجار و خرما باشد
کل الجنتین آن دو باغ آتت اکلها بر دادن میوه و اکل خود را تمامی

ICO0000123

وَمَا تَنْقِمُ وَنَمْ نکردی یعنی نکرد اختیار مِنَّا از ما إِلَّا أَنْ آمَنَّا
کسی که ایمان آوردیم بِآيَاتِ رَبِّنَا بِالْبَيِّنَاتِ بِالْمُعْجِزَاتِ
کردیم لَمَّا جَاءَتْنَا چون آمد ما را رَبَّنَا أَفْرِغْ
وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ بر اسلام و بر طاعت
وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ
وَالْأَشْرَافُ
وَالْأَعْيَانُ
أَتَذَرُ
أَتَتْرُكُ
مُوسَىٰ
وَقَوْمَهُ
لِيُفْسِدُوا
فِي الْأَرْضِ
وَيَذَرَكَ
وَآلِهَتَكَ
قَالَ
فِرْعَوْنُ
سَنُقَتِّلُ
أَبْنَاءَهُمْ
وَنَسْتَحْيِي
نِسَاءَهُمْ
وَإِنَّا
فَوْقَهُمْ
قَاهِرُونَ
قَالَ
مُوسَىٰ
لِقَوْمِهِ
اسْتَعِينُوا
بِاللَّهِ
وَاصْبِرُوا
إِنَّ
الْأَرْضَ
لِلَّهِ
يُورِثُهَا
مَنْ يَشَاءُ
مِنْ عِبَادِهِ
وَالْعَاقِبَةُ
لِلْمُتَّقِينَ
قَالُوا
أُوذِينَا
مِنْ قَبْلِ
أَنْ تَأْتِيَنَا
وَمِنْ بَعْدِ
مَا جِئْتَنَا
قَالَ
عَسَىٰ
رَبُّكُمْ
أَنْ يُهْلِكَ
عَدُوَّكُمْ
وَيَسْتَخْلِفَكُمْ
فِي الْأَرْضِ
فَيَنْظُرَ
كَيْفَ
تَعْمَلُونَ
وَلَقَدْ
أَخَذْنَا
آلَ فِرْعَوْنَ
بِالسِّنِينَ
وَنَقْصٍ
مِنَ الثَّمَرَاتِ
لَعَلَّهُمْ
يَذَّكَّرُونَ
فَإِذَا
جَاءَتْهُمُ
الْحَسَنَةُ
قَالُوا
لَنَا هَٰذِهِ
وَإِنْ
تُصِبْهُمْ
سَيِّئَةٌ
يَطَّيَّرُوا
بِمُوسَىٰ
وَمَنْ
مَعَهُ
أَلَا إِنَّمَا
طَائِرُهُمْ
عِنْدَ اللَّهِ
وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ
وَقَالُوا
مَهْمَا
تَأْتِنَا
بِهِ
مِنْ آيَةٍ
لِتَسْحَرَنَا
بِهَا
فَمَا
نَحْنُ
لَكَ
بِمُؤْمِنِينَ
فَأَرْسَلْنَا
عَلَيْهِمُ
الطُّوفَانَ
وَالْجَرَادَ
وَالْقُمَّلَ
وَالضَّفَادِعَ
وَالدَّمَ
آيَاتٍ
مُفَصَّلَاتٍ
فَاسْتَكْبَرُوا
وَكَانُوا
قَوْمًا
مُجْرِمِينَ
وَلَمَّا
وَقَعَ
عَلَيْهِمُ
الرِّجْزُ
قَالُوا
يَا مُوسَى
ادْعُ
لَنَا
رَبَّكَ
بِمَا
عَهِدَ
عِنْدَكَ
لَئِنْ
كَشَفْتَ
عَنَّا
الرِّجْزَ
لَنُؤْمِنَنَّ
لَكَ
وَلَنُرْسِلَنَّ
مَعَكَ
بَنِي
إِسْرَائِيلَ
فَلَمَّا
كَشَفْنَا
عَنْهُمُ
الرِّجْزَ
إِلَىٰ
أَجَلٍ
هُمْ
بَالِغُوهُ
إِذَا
هُمْ
يَنْكُثُونَ
فَانْتَقَمْنَا
مِنْهُمْ
فَأَغْرَقْنَاهُمْ
فِي الْيَمِّ
بِأَنَّهُمْ
كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا
وَكَانُوا
عَنْهَا
غَافِلِينَ
وَأَوْرَثْنَا
الْقَوْمَ
الَّذِينَ
كَانُوا
يُسْتَضْعَفُونَ
مَشَارِقَ
الْأَرْضِ
وَمَغَارِبَهَا
الَّتِي
بَارَكْنَا
فِيهَا
وَتَمَّتْ
كَلِمَتُ
رَبِّكَ
الْحُسْنَىٰ
عَلَىٰ
بَنِي
إِسْرَائِيلَ
بِمَا
صَبَرُوا
وَدَمَّرْنَا
مَا كَانَ
يَصْنَعُ
فِرْعَوْنُ
وَقَوْمُهُ
وَمَا كَانُوا
يَعْرِشُونَ
وَجَاوَزْنَا
بِبَنِي
إِسْرَائِيلَ
الْبَحْرَ
فَأَتَوْا
عَلَىٰ
قَوْمٍ
يَعْكُفُونَ
عَلَىٰ
أَصْنَامٍ
لَهُمْ
قَالُوا
يَا مُوسَى
اجْعَلْ
لَنَا
إِلَٰهًا
كَمَا
لَهُمْ
آلِهَةٌ
قَالَ
إِنَّكُمْ
قَوْمٌ
تَجْهَلُونَ
إِنَّ
هَٰؤُلَاءِ
مُتَبَّرٌ
مَا هُمْ
فِيهِ
وَبَاطِلٌ
مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ
قَالَ
أَغَيْرَ
اللَّهِ
أَبْغِيكُمْ
إِلَٰهًا
وَهُوَ
فَضَّلَكُمْ
عَلَى
الْعَالَمِينَ
وَإِذْ
أَنْجَيْنَاكُمْ
مِنْ
آلِ فِرْعَوْنَ
يَسُومُونَكُمْ
سُوءَ
الْعَذَابِ
يُقَتِّلُونَ
أَبْنَاءَكُمْ
وَيَسْتَحْيُونَ
نِسَاءَكُمْ
وَفِي
ذَٰلِكُمْ
بَلَاءٌ
مِنْ
رَبِّكُمْ
عَظِيمٌ
وَإِذْ
وَاعَدْنَا
مُوسَىٰ
أَرْبَعِينَ
لَيْلَةً
ثُمَّ
اتَّخَذْتُمُ
الْعِجْلَ
مِنْ
بَعْدِهِ
وَأَنْتُمْ
ظَالِمُونَ
ثُمَّ
عَفَوْنَا
عَنْكُمْ
مِنْ
بَعْدِ
ذَٰلِكَ
لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ
وَإِذْ
آتَيْنَا
مُوسَى
الْكِتَابَ
وَالْفُرْقَانَ
لَعَلَّكُمْ
تَهْتَدُونَ
وَإِذْ
قَالَ
مُوسَىٰ
لِقَوْمِهِ
يَا قَوْمِ
إِنَّكُمْ
ظَلَمْتُمْ
أَنْفُسَكُمْ
بِاتِّخَاذِكُمُ
الْعِجْلَ
فَتُوبُوا
إِلَىٰ
بَارِئِكُمْ
فَاقْتُلُوا
أَنْفُسَكُمْ
ذَٰلِكُمْ
خَيْرٌ
لَكُمْ
عِنْدَ
بَارِئِكُمْ
فَتَابَ
عَلَيْكُمْ
إِنَّهُ
هُوَ
التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ
وَإِذْ
قُلْتُمْ
يَا مُوسَىٰ
لَنْ
نُؤْمِنَ
لَكَ
حَتَّىٰ
نَرَى
اللَّهَ
جَهْرَةً
فَأَخَذَتْكُمُ
الصَّاعِقَةُ
وَأَنْتُمْ
تَنْظُرُونَ
ثُمَّ
بَعَثْنَاكُمْ
مِنْ
بَعْدِ
مَوْتِكُمْ
لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ
وَظَلَّلْنَا
عَلَيْكُمُ
الْغَمَامَ
وَأَنْزَلْنَا
عَلَيْكُمُ
الْمَنَّ
وَالسَّلْوَىٰ
كُلُوا
مِنْ
طَيِّبَاتِ
مَا
رَزَقْنَاكُمْ
وَمَا
ظَلَمُونَا
وَلَٰكِنْ
كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ
وَإِذْ
قُلْنَا
ادْخُلُوا
هَٰذِهِ
الْقَرْيَةَ
فَكُلُوا
مِنْهَا
حَيْثُ
شِئْتُمْ
رَغَدًا
وَادْخُلُوا
الْبَابَ
سُجَّدًا
وَقُولُوا
حِطَّةٌ
نَغْفِرْ
لَكُمْ
خَطِيئَاتِكُمْ
وَسَنَزِيدُ
الْمُحْسِنِينَ
فَبَدَّلَ
الَّذِينَ
ظَلَمُوا
قَوْلًا
غَيْرَ
الَّذِي
قِيلَ
لَهُمْ
فَأَنْزَلْنَا
عَلَى
الَّذِينَ
ظَلَمُوا
رِجْزًا
مِنَ
السَّمَاءِ
بِمَا
كَانُوا
يَفْسُقُونَ
وَسْئَلْهُمْ
عَنِ
الْقَرْيَةِ
الَّتِي
كَانَتْ
حَاضِرَةَ
الْبَحْرِ
إِذْ
يَعْدُونَ
فِي
السَّبْتِ
إِذْ
تَأْتِيهِمْ
حِيتَانُهُمْ
يَوْمَ
سَبْتِهِمْ
شُرَّعًا
وَيَوْمَ
لَا
يَسْبِتُونَ
لَا
تَأْتِيهِمْ
كَذَٰلِكَ
نَبْلُوهُمْ
بِمَا
كَانُوا
يَفْسُقُونَ
وَإِذْ
قَالَتْ
أُمَّةٌ
مِنْهُمْ
لِمَ
تَعِظُونَ
قَوْمًا
اللَّهُ
مُهْلِكُهُمْ
أَوْ
مُعَذِّبُهُمْ
عَذَابًا
شَدِيدًا
قَالُوا
مَعْذِرَةً
إِلَىٰ
رَبِّكُمْ
وَلَعَلَّهُمْ
يَتَّقُونَ
فَلَمَّا
نَسُوا
مَا
ذُكِّرُوا
بِهِ
أَنْجَيْنَا
الَّذِينَ
يَنْهَوْنَ
عَنِ
السُّوءِ
وَأَخَذْنَا
الَّذِينَ
ظَلَمُوا
بِعَذَابٍ
بَئِيسٍ
بِمَا
كَانُوا
يَفْسُقُونَ
فَلَمَّا
عَتَوْا
عَنْ
مَا
نُهُوا
عَنْهُ
قُلْنَا
لَهُمْ
كُونُوا
قِرَدَةً
خَاسِئِينَ
وَإِذْ
تَأَذَّنَ
رَبُّكَ
لَيَبْعَثَنَّ
عَلَيْهِمْ
إِلَىٰ
يَوْمِ
الْقِيَامَةِ
مَنْ
يَسُومُهُمْ
سُوءَ
الْعَذَابِ
إِنَّ
رَبَّكَ
لَسَرِيعُ
الْعِقَابِ
وَإِنَّهُ
لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ
وَقَطَّعْنَاهُمْ
فِي الْأَرْضِ
أُمَمًا
مِنْهُمُ
الصَّالِحُونَ
وَمِنْهُمْ
دُونَ
ذَٰلِكَ
وَبَلَوْنَاهُمْ
بِالْحَسَنَاتِ
وَالسَّيِّئَاتِ
لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ
فَخَلَفَ
مِنْ
بَعْدِهِمْ
خَلْفٌ
وَرِثُوا
الْكِتَابَ
يَأْخُذُونَ
عَرَضَ
هَٰذَا
الْأَدْنَىٰ
وَيَقُولُونَ
سَيُغْفَرُ
لَنَا
وَإِنْ
يَأْتِهِمْ
عَرَضٌ
مِثْلُهُ
يَأْخُذُوهُ
أَلَمْ
يُؤْخَذْ
عَلَيْهِمْ
مِيثَاقُ
الْكِتَابِ
أَنْ
لَا
يَقُولُوا
عَلَى
اللَّهِ
إِلَّا
الْحَقَّ
وَدَرَسُوا
مَا
فِيهِ
وَالدَّارُ
الْآخِرَةُ
خَيْرٌ
لِلَّذِينَ
يَتَّقُونَ
أَفَلَا
تَعْقِلُونَ
وَالَّذِينَ
يُمَسِّكُونَ
بِالْكِتَابِ
وَأَقَامُوا
الصَّلَاةَ
إِنَّا
لَا
نُضِيعُ
أَجْرَ
الْمُصْلِحِينَ
وَإِذْ
نَتَقْنَا
الْجَبَلَ
فَوْقَهُمْ
كَأَنَّهُ
ظُلَّةٌ
وَظَنُّوا
أَنَّهُ
وَاقِعٌ
بِهِمْ
خُذُوا
مَا آتَيْنَاكُمْ
بِقُوَّةٍ
وَاذْكُرُوا
مَا فِيهِ
لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُونَ
وَإِذْ
أَخَذَ
رَبُّكَ
مِنْ
بَنِي
آدَمَ
مِنْ
ظُهُورِهِمْ
ذُرِّيَّتَهُمْ
وَأَشْهَدَهُمْ
عَلَىٰ
أَنْفُسِهِمْ
أَلَسْتُ
بِرَبِّكُمْ
قَالُوا
بَلَىٰ
شَهِدْنَا
أَنْ
تَقُولُوا
يَوْمَ
الْقِيَامَةِ
إِنَّا
كُنَّا
عَنْ
هَٰذَا
غَافِلِينَ
أَوْ
تَقُولُوا
إِنَّمَا
أَشْرَكَ
آبَاؤُنَا
مِنْ
قَبْلُ
وَكُنَّا
ذُرِّيَّةً
مِنْ
بَعْدِهِمْ
أَفَتُهْلِكُنَا
بِمَا
فَعَلَ
الْمُبْطِلُونَ
وَكَذَٰلِكَ
نُفَصِّلُ
الْآيَاتِ
وَلَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ
وَاتْلُ
عَلَيْهِمْ
نَبَأَ
الَّذِي
آتَيْنَاهُ
آيَاتِنَا
فَانْسَلَخَ
مِنْهَا
فَأَتْبَعَهُ
الشَّيْطَانُ
فَكَانَ
مِنَ
الْغَاوِينَ
وَلَوْ
شِئْنَا
لَرَفَعْنَاهُ
بِهَا
وَلَٰكِنَّهُ
أَخْلَدَ
إِلَى
الْأَرْضِ
وَاتَّبَعَ
هَوَاهُ
فَمَثَلُهُ
كَمَثَلِ
الْكَلْبِ
إِنْ
تَحْمِلْ
عَلَيْهِ
يَلْهَثْ
أَوْ
تَتْرُكْهُ
يَلْهَثْ
ذَٰلِكَ
مَثَلُ
الْقَوْمِ
الَّذِينَ
كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا
فَاقْصُصِ
الْقَصَصَ
لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ
سَاءَ
مَثَلًا
الْقَوْمُ
الَّذِينَ
كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا
وَأَنْفُسَهُمْ
كَانُوا
يَظْلِمُونَ
مَنْ
يَهْدِ
اللَّهُ
فَهُوَ
الْمُهْتَدِي
وَمَنْ
يُضْلِلْ
فَأُولَٰئِكَ
هُمُ
الْخَاسِرُونَ
وَلَقَدْ
ذَرَأْنَا
لِجَهَنَّمَ
كَثِيرًا
مِنَ
الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ
لَهُمْ
قُلُوبٌ
لَا
يَفْقَهُونَ
بِهَا
وَلَهُمْ
أَعْيُنٌ
لَا
يُبْصِرُونَ
بِهَا
وَلَهُمْ
آذَانٌ
لَا
يَسْمَعُونَ
بِهَا
أُولَٰئِكَ
كَالْأَنْعَامِ
بَلْ
هُمْ
أَضَلُّ
أُولَٰئِكَ
هُمُ
الْغَافِلُونَ
وَلِلَّهِ
الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَىٰ
فَادْعُوهُ
بِهَا
وَذَرُوا
الَّذِينَ
يُلْحِدُونَ
فِي
أَسْمَائِهِ
سَيُجْزَوْنَ
مَا
كَانُوا
يَعْمَلُونَ
وَمِمَّنْ
خَلَقْنَا
أُمَّةٌ
يَهْدُونَ
بِالْحَقِّ
وَبِهِ
يَعْدِلُونَ
وَالَّذِينَ
كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
مِنْ
حَيْثُ
لَا
يَعْلَمُونَ
وَأُمْلِي
لَهُمْ
إِنَّ
كَيْدِي
مَتِينٌ
أَوَلَمْ
يَتَفَكَّرُوا
مَا
بِصَاحِبِهِمْ
مِنْ
جِنَّةٍ
إِنْ
هُوَ
إِلَّا
نَذِيرٌ
مُبِينٌ
أَوَلَمْ
يَنْظُرُوا
فِي
مَلَكُوتِ
السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ
وَمَا
خَلَقَ
اللَّهُ
مِنْ
شَيْءٍ
وَأَنْ
عَسَىٰ
أَنْ
يَكُونَ
قَدِ
اقْتَرَبَ
أَجَلُهُمْ
فَبِأَيِّ
حَدِيثٍ
بَعْدَهُ
يُؤْمِنُونَ
مَنْ
يُضْلِلِ
اللَّهُ
فَلَا
هَادِيَ
لَهُ
وَيَذَرُهُمْ
فِي
طُغْيَانِهِمْ
يَعْمَهُونَ
يَسْأَلُونَكَ
عَنِ
السَّاعَةِ
أَيَّانَ
مُرْسَاهَا
قُلْ
إِنَّمَا
عِلْمُهَا
عِنْدَ
رَبِّي
لَا
يُجَلِّيهَا
لِوَقْتِهَا
إِلَّا
هُوَ
ثَقُلَتْ
فِي
السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ
لَا
تَأْتِيكُمْ
إِلَّا
بَغْتَةً
يَسْأَلُونَكَ
كَأَنَّكَ
حَفِيٌّ
عَنْهَا
قُلْ
إِنَّمَا
عِلْمُهَا
عِنْدَ
اللَّهِ
وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَ
النَّاسِ
لَا
يَعْلَمُونَ
قُلْ
لَا
أَمْلِكُ
لِنَفْسِي
نَفْعًا
وَلَا
ضَرًّا
إِلَّا
مَا
شَاءَ
اللَّهُ
وَلَوْ
كُنْتُ
أَعْلَمُ
الْغَيْبَ
لَاسْتَكْثَرْتُ
مِنَ
الْخَيْرِ
وَمَا
مَسَّنِيَ
السُّوءُ
إِنْ
أَنَا
إِلَّا
نَذِيرٌ
وَبَشِيرٌ
لِقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ
هُوَ
الَّذِي
خَلَقَكُمْ
مِنْ
نَفْسٍ
وَاحِدَةٍ
وَجَعَلَ
مِنْهَا
زَوْجَهَا
لِيَسْكُنَ
إِلَيْهَا
فَلَمَّا
تَغَشَّاهَا
حَمَلَتْ
حَمْلًا
خَفِيفًا
فَمَرَّتْ
بِهِ
فَلَمَّا
أَثْقَلَتْ
دَعَوَا
اللَّهَ
رَبَّهُمَا
لَئِنْ
آتَيْتَنَا
صَالِحًا
لَنَكُونَنَّ
مِنَ
الشَّاكِرِينَ
فَلَمَّا
آتَاهُمَا
صَالِحًا
جَعَلَا
لَهُ
شُرَكَاءَ
فِيمَا
آتَاهُمَا
فَتَعَالَى
اللَّهُ
عَمَّا
يُشْرِكُونَ
أَيُشْرِكُونَ
مَا لَا
يَخْلُقُ
شَيْئًا
وَهُمْ
يُخْلَقُونَ
وَلَا
يَسْتَطِيعُونَ
نَصْرًا
وَلَا
أَنْفُسَهُمْ
يَنْصُرُونَ
وَإِنْ
تَدْعُوهُمْ
إِلَى
الْهُدَىٰ
لَا
يَتَّبِعُوكُمْ
سَوَاءٌ
عَلَيْكُمْ
أَدَعَوْتُمُوهُمْ
أَمْ
أَنْتُمْ
صَامِتُونَ
إِنَّ
الَّذِينَ
تَدْعُونَ
مِنْ
دُونِ
اللَّهِ
عِبَادٌ
أَمْثَالُكُمْ
فَادْعُوهُمْ
فَلْيَسْتَجِيبُوا
لَكُمْ
إِنْ
كُنْتُمْ
صَادِقِينَ
أَلَهُمْ
أَرْجُلٌ
يَمْشُونَ
بِهَا
أَمْ
لَهُمْ
أَيْدٍ
يَبْطِشُونَ
بِهَا
أَمْ
لَهُمْ
أَعْيُنٌ
يُبْصِرُونَ
بِهَا
أَمْ
لَهُمْ
آذَانٌ
يَسْمَعُونَ
بِهَا
قُلِ
ادْعُوا
شُرَكَاءَكُمْ
ثُمَّ
كِيدُونِ
فَلَا
تُنْظِرُونِ
إِنَّ
وَلِيِّيَ
اللَّهُ
الَّذِي
نَزَّلَ
الْكِتَابَ
وَهُوَ
يَتَوَلَّى
الصَّالِحِينَ
وَالَّذِينَ
تَدْعُونَ
مِنْ
دُونِهِ
لَا
يَسْتَطِيعُونَ
نَصْرَكُمْ
وَلَا
أَنْفُسَهُمْ
يَنْصُرُونَ
وَإِنْ
تَدْعُوهُمْ
إِلَى
الْهُدَىٰ
لَا
يَسْمَعُوا
وَتَرَاهُمْ
يَنْظُرُونَ
إِلَيْكَ
وَهُمْ
لَا
يُبْصِرُونَ
خُذِ
الْعَفْوَ
وَأْمُرْ
بِالْعُرْفِ
وَأَعْرِضْ
عَنِ
الْجَاهِلِينَ
وَإِمَّا
يَنْزَغَنَّكَ
مِنَ
الشَّيْطَانِ
نَزْغٌ
فَاسْتَعِذْ
بِاللَّهِ
إِنَّهُ
سَمِيعٌ
عَلِيمٌ
إِنَّ
الَّذِينَ
اتَّقَوْا
إِذَا
مَسَّهُمْ
طَائِفٌ
مِنَ
الشَّيْطَانِ
تَذَكَّرُوا
فَإِذَا
هُمْ
مُبْصِرُونَ
وَإِخْوَانُهُمْ
يَمُدُّونَهُمْ
فِي
الْغَيِّ
ثُمَّ
لَا
يُقْصِرُونَ
وَإِذَا
لَمْ
تَأْتِهِمْ
بِآيَةٍ
قَالُوا
لَوْلَا
اجْتَبَيْتَهَا
قُلْ
إِنَّمَا
أَتَّبِعُ
مَا
يُوحَىٰ
إِلَيَّ
مِنْ
رَبِّي
هَٰذَا
بَصَائِرُ
مِنْ
رَبِّكُمْ
وَهُدًى
وَرَحْمَةٌ
لِقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ
وَإِذَا
قُرِئَ
الْقُرْآنُ
فَاسْتَمِعُوا
لَهُ
وَأَنْصِتُوا
لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ
وَاذْكُرْ
رَبَّكَ
فِي
نَفْسِكَ
تَضَرُّعًا
وَخِيفَةً
وَدُونَ
الْجَهْرِ
مِنَ
الْقَوْلِ
بِالْغُدُوِّ
وَالْآصَالِ
وَلَا
تَكُنْ
مِنَ
الْغَافِلِينَ
إِنَّ
الَّذِينَ
عِنْدَ
رَبِّكَ
لَا
يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ
عِبَادَتِهِ
وَيُسَبِّحُونَهُ
وَلَهُ
يَسْجُدُونَ

IC00000123

ICO0000123

[illegible]

[illegible]

[illegible]

IC00000123

ICO0000123

کوهها

که مشرب بعضی از خلق نباشد بلکه خاصه از جمله بود تا بیشتر آن ابرا است بعضی موجوم
توانند بود، و بعضی قرین نبود و قرین بود که خصوص بعضی باشد از دوزخ بعضی از دوزخ نبود
بعضی بعضی را از خود دور بعضی و غرانی و بعضی نیز الی آن و یاد کن روز را که بر آنیم
کوهها را یعنی از جا برکنیم و در هوا گردانیم و ترک الارض و بینی زمین
بارزة ظاهر شده ما از جا کوه را و مردگان همه بر روی زمین آمده و حشرناهم
و حشر کنیم همه را یعنی جمع سازیم در موقف فلم نغادر پس نگذاریم منهم
از ایشان یکی را حشر کرده و عرضوا و عرض کرده شوند علی ربک بر پروردگار
تو صفا ایستاده صف کشیده و جئتمونا گویند لقد جئتمونا هر آینه آمدید با ما
کما خلقناکم چنانکه آفریدیم شما را در اول مثال بل زعمتم بلکه گمان بردید
تم ان لن نجعل اول بار که ما برانگیزیم لکم موعدا وقتی برای شما برانگیختن
و وضع الکتاب و نهاده شود نامه اعمال بر آن شما را بر آن نامه و ترى المجرمين
و وضع الکتاب و نهاده شود نامه اعمال بر آن شما را بر آن نامه و ترى المجرمين
و بینی گناهکاران را مشفقين ترسان و از آن
مما فيه از آنچه در کتاب ایشان باشد از گناه و ویل ای وشی گرد و یقولون و گویند یا ویلتنا
وای بر ما مال هذا الکتاب چه بود است این نامه را که مطلقا لا یغادر
فرو نگذارد صغيرة و لا کبيرة نه صغیره و نه بزرگ الا احصاها مگر
است مر آن را ضبط کرده و نگاه داشته و وجدوا ما عملوا و یابند آنچه
کرده اند حاضرا در حاضر آمده و لا یظلم و ستم نکند پروردگار تو
بر کسی احدا هیچ باز یاد آن استاد و اذ قلنا و یاد کن آنرا که گفتیم ما
للملائکة اسجدوا مر فرشتگان را که سجده کنید آدم مر آدم را فسجدوا

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

IC00000123

بود و می فرستاد که ما را در مجمع البحرین بنده ایست که از علم لدنی او را علم خاص
بآنکه از تو ماهی فرستاده شده و با خود ماهی بریان همراه برگیر او ترا بود راه
خواهد نمود حضرت موسی علیه السلام تنها توشه روغن همراه آورد وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ
وبیاد کن آن زمان چون گفت موسی لِفَتَاهُ فرمانبردار و خادم خود یعنی یوشع بن نون
که بعد خود را لَا أَبْرَحُ همیشه خواهم رفت حَتَّىٰ أَبْلُغَ تا برسم مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ بجایگاه
ملتقای آب دریای شام و دریای روم بوده و در بعضی تفاسیر گفته اند
المقصود موسی فرمود که همیشه میروم تا برسم بمنزل مجمع أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا یا می روم
زمانی دراز که هشتاد سال باشد یعنی بعد از روز از سفر برنگردم تا آنجا بیایم
دست از طلب خود برنمیدارم فَلَمَّا بَلَغَا پس چون رسیدند مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا بمجمع البحرین
ایشان موسی و یوشع فرمود که آن ماهی که تو همراه داری و در خانه تو مستحکم می شمارم
فرموده است او را که آنرا همراه خود بیاور یوشع نمی جنبانید و ماهی بجا
بریان شده با استخوان و پوست و روغن شده نَسِيَا حُوتَهُمَا پس از منزل گذشتند
مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا یعنی که میان دریا بود آبی بر صخره که بر کنار چشمه بود نشسته
و موسی از خواب رفت و یوشع در آن چشمه وضو ساخت و قطره از دست او بر آن
ماهی بریان چکیده الحال از خود شعور و دلگیر بر یا نداده و یوشع متحیر گشت و موسی
از خواب در آمده تفحص حال یوشع و ماهی نموده که دلها بر آن نهاد و آن ماهی
قبیل سفر فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فرا پیش گرفت و ماهی خود را فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ
فرا گرفت ماهی را خود را فِي الْبَحْرِ دریا سَرَبًا مثل سرداب که در آن آب نمی رفت
مراد که ماهی هر وقت آب بر بالای او بود طاق فرو می افتاد و زمین خشک می
شد فَكَانَ بی و بنی که در گذشتند از مجمع البحرین قَالَ گفت موسی لِفَتَاهُ
مر یوشع خود یعنی یوشع را که وقت جاشت شد آتِنَا غَدَاءَنَا بیار طعام
جاشت ما را بخوریم که گرسنه شده ایم و دوی برداشتیم لَقَدْ لَقِينَا مرا بنده و دیدم

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

ICO0000123

899

دریا رسیدند کشتی را دیدند آن مستمندان که کسب و زراعت نمودند و مزد خود را از آن
خضر با لطف و تعظیم تمام در آوردند حتی اذا رکبا فی السفینة خرقها
و کشتی جهان دریا را بسبب خضر تیز راست بر بهانه از قوم خرقها سوراخ
کشتی را اخرقتها گفت موسی آیا سوراخ کردی کشتی را لتغرق اهلها
تا غرق کردی اهل کشتی را سوراخ بسبب دخول آب در آن و دخول آب
موجب غرق شدن سفینه باشد لقد جئت بر حقیقت که آوردی شیئا امرا چیزی
نکلف و شنیع بود کردن کار ناروا قال الم اقل گفت خضر آیا نگفتم انک لن
تستطیع که تو نتوانی معی صبرا با من صبر کردن قال گفت موسی لا تؤاخذنی
رحمت بر من لا تؤاخذنی مواخذه مکن مرا بما نسیت بآنچه فراموش کردم و
لا ترهقنی و در بر ساز مرا من امری از کار من عسرا دشوار یعنی بر من
سخت مگیر و با من بر این قرار مصاحبت مکن فانطلقا پس رفتند
رفتند تا بدیهی رسیدند و خارج دیهی که کنار بازار آنجا بود و شهری زیبا و دلکش
بلند قامت خط سبز بر وجنت بسیار او خاصه رسته تمام او خشبوه با قصور روشن و
او سال با گردان نام مادر شهر شاهر تب بارمی از جهان اسپاهان بود موسی
بر رفتند حتی اذا اتیا اهلها تا چون بدیهی رسیدند بر اهل آن دیه که خضر
بود از جهان از آن جا بسیار در پس دیوار بود فوجدا پس یافتند او را یعنی
یافتند فاقامه گفت موسی آیا بکشی نفسا زکیة نفسی پاکیزه
بغیر نفس که او کشته باشد یعنی او پاک بود از قتل بغیر حق پس این خاص
بجکوه او را کشتی لقد جئت بر آوردی شیئا نکرا چیزی ناپسند و جدا
الخوف الصادق خضر قال الم اقل گفت خضر آیا نگفتم لک انک
مر ترا در این صحبت که تو لن تستطیع فرت نتوانی و نتوانی معی با من
در صحبت من صبرا شکیبایی و اندوه بردن قال گفت موسی ان سألتک

ICO0000123

ICO0000123

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123

با بوست و رکاب عرب می‌نمود و باکریم الطرفین بوده یا جبال ظاهر و پنهان
جمع کرده یا در خطیره بوده یعنی دو کسر که یافته و از دو جانب سر و آخر نخست
کرد سنگ رود و بوده است و در نوبت او اختلاف کرده از نزد یکی از ایشان قَالَ سَآوِیْ
اِلٰی جَبَلٍ زود باشد که بروم بکوهی یَعْصِمُنِیْ مِنَ الْمَآءِ تا نگاه دارد مرا از غرق شدن قَالَ
لَا عَاصِمَ الْیَوْمَ گفت نیست نگاه دارنده امروز مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ از فرمان خدای اِلَّا مَنْ رَّحِمَ
مگر آنکه رحمت کرده باشد خدای وَحِیْلَ بَیْنَهُمَا و حایل کرده شد میان ایشان الْمَوْجُ
موج فَکَانَ مِنَ الْمُغْرَقِیْنَ پس بود از غرق شدگان وَقِیْلَ یَا اَرْضُ ابْلَعِیْ
و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود را یَا سَمَآءُ اَقْلِعِیْ و ای آسمان باز ایستاد
وَغِیْضَ الْمَآءُ و کم کرده شد آب وَقُضِیَ الْاَمْرُ و گزارده شد کار وَاسْتَوَتْ
و راست ایستاد عَلَی الْجُوْدِیِّ بر کوه جودی وَقِیْلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ
الظّٰلِمِیْنَ و گفته شد دور باد قوم ستمکاران وَنَادٰی نُوْحٌ رَّبَّهٗ و ندا کرد نوح
پروردگار خود را فَقَالَ رَبِّ اِنَّ ابْنِیْ مِنْ اَهْلِیْ پس گفت پروردگارا پسر من از اهل من است
وَاِنَّ وَعْدَکَ الْحَقُّ و بدرستی که وعده تو راست است وَاَنْتَ اَحْکَمُ الْحٰکِمِیْنَ
و تو حکم کننده‌ترین حکم کنندگانی قَالَ یٰنُوْحُ اِنَّهٗ لَیْسَ مِنْ اَهْلِکَ
گفت ای نوح بدرستی که نیست از اهل تو اِنَّهٗ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ
بدرستی که او کردار ناشایسته است فَلَا تَسْئَلْنِ مَا لَیْسَ لَکَ بِهٖ عِلْمٌ
پس مپرس از من آنچه نیست ترا بدان دانش اِنِّیْ اَعِظُکَ اَنْ تَکُوْنَ
مِنَ الْجٰهِلِیْنَ بدرستی که پند می‌دهم ترا که باشی از نادانان قَالَ رَبِّ
اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ گفت پروردگارا پناه می‌جویم بتو اَنْ اَسْئَلَکَ
که بپرسم ترا مَا لَیْسَ لِیْ بِهٖ عِلْمٌ آنچه نیست مرا بدان دانش وَاِلَّا
تَغْفِرْ لِیْ و اگر نه آمرزش خواهی مرا وَتَرْحَمْنِیْ و رحمت کنی مرا
اَکُنْ مِّنَ الْخٰسِرِیْنَ باشم از زیان کاران قِیْلَ یٰنُوْحُ
اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا و گفته شد ای نوح فرود آی با سلامت از ما
وَبَرَکٰتٍ عَلَیْکَ و برکتها بر تو وَعَلٰٓی اُمَمٍ
مِّمَّنْ مَّعَکَ و بر امتهای از آنکه با تو اند وَاُمَمٌ
سَنُمَتِّعُهُمْ و امتهای که برخوردار کنیم ایشان را ثُمَّ
یَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِیْمٌ پس برسد ایشان را از ما عذاب دردناک
تِلْکَ مِنْ اَنْبَآءِ الْغَیْبِ این از خبرهای غیب است
نُوْحِیْهَآ اِلَیْکَ وحی می‌کنیم آن را بتو مَا کُنْتَ
تَعْلَمُهَآ اَنْتَ وَلَا قَوْمُکَ مِنْ قَبْلِ هٰذَا
نبودی تو و نه قوم تو پیش از این فَاصْبِرْ
پس صبر کن اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِیْنَ
بدرستی که عاقبت نیکو مر پرهیزگاران را

ICO0000123

ICO0000123

IC00000123

ICO0000123

بر دوزخیان گرد میرفتند و در بین کرانه‌ها صدوپنجاه کرد انتقال میرفتند اگر باشد گرفتن
یکبار و دو بار و سه بار فَإِنِ اسْتَطَعْتُمْ اگر نتوانستید یا جمع و دوام آن فَانْفُذُوا
اگر باید از خود برانید بسبب از تنگ و از تنگی وَإِلَّا فَلَا تَنْفُذُونَ و نتوانستید
نفذ نرود اسم کرد از واسطه آن و صیانت آن فَإِنَّكُمْ لَا تَنْفُذُونَ مگر از قوت و سلطان
جز این سوره الرحمن را بنام آن و در تفسیر بخطبه حق تعالی از پروردگار من
بر انسان گرفتن بر تفسیر قرآن تنها با جن و با جن و با انس بر جن و بر انس
وَبَقِيَ دَعْوَةٌ از برکات رحمت و با جن و با انس جَنَّةٌ گردانید این سوره را
زمین سرای بهشتی او را از برای اهل بهشت در دوزخ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّكَ و هست وعده
پروردگار من حَقًّا درست و راست فرموده این کرده از برای راستی از ثواب
قیامت و در آخر سوره از بنا را آن فرموده اگر ترک و بیزار جَهَنَّمَ
بر من از جن و با جن و با انس بر آن روز یعنی روز قیامت خروج کرد از دهان خود
يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ صور بگشته و داخل شوند در بهشتی و دوزخی و گفته اند صور
که روز قیامت است یعنی از دهان کرد و صور بر آن روز قیامت
و دمیده شود در صور برای قیام قیامت فَجَمَعْنَاهُمْ پس جمع کنیم خلایق را
جمع کردنی وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ و ظاهر کردانیم دوزخ را يَوْمَئِذٍ آن روز
برای کافران و مرتدان عَرْضًا ظاهر کردنی و اظهار آن بر مقابل قبل از خلق
جهت زجر و توبیخ باشد الَّذِينَ آن کافران که از ذکر من غَطَاءٌ
أَعْيُنُهُمْ بسته بود چشمهای ایشان عَنْ ذِكْرِي از یاد من یعنی
از مشاهده ملکی که آن یاد کرده میشود بزرگی و تعظیم نزد اهل ایمان
وَكَانُوا و هستند کافران که بودند اهل شنوایی سخن حق لَا يَسْتَطِيعُونَ نمی‌توانند
سخن شنوی کلام من یا بجهت من یا انتفاع از آن بسبب بی‌اعتبار
تعالی ایشان را از انتفاع از آن جهت چنانکه بسبب بی‌اعتبار

ICO0000123

ICO0000123

آن عذاب و مرتبه شده و نابود گشت یا اینجا را و زنی را هم نهاد یعنی بتقدیر ایشان
را نداشت بلکه فرار و متبدل فرا شده بود ذلک آنست که گفته شد از هلاک
اهل مکه و تفسیر ایشان جزاء بما کفروا پاداش ایشان در نزد ایشان بما کفروا
بسبب آنکه بپوشیدند و الهل هل نجازی آیا نمی دهیم آنچه کتاب را و تبلی و
فرستادیم جزاء آخرت را که وعده شده یعنی بکتاب و پیغمبر و به کرده اند
الذی آمنوا بر آنکه گرویدند بکتاب و رسول و عملوا الصالحات و کردند
عملهای پسندیده و شایسته کانت لهم هست مر ایشان را و عمل فعل جنات الفردوس
بهشتهای فردوس یعنی بوستانهای مشتمل بر اشجار و اثمار و بر آن نیک بود و لا یبغون
در بیان آورده که فردوس در بهشت قرار است فرود آن و بعضی بر اعلی درجات
دنیا بهشت و فرمود حق که بیشتر باید که از آن دنیا و حسنات و دنیا بر آن
ساخته شده و جبال و نهارها و بر آن فرود آمده و در بستانها فرود آمده و اجتمعت
در بستانها بیکدیگر و تعبیر بر آن آنکه اینجا نزاعها باشد که بعضی فردوس بالاتر از آن
بعضی را با حضرت کرامت برد و نزاعها باشد و اختلافها باشد تحت بر فردوس
زاید و اعلا را در آن درجات تحت هر کس بقدر حسنات او دست و بر کرسی تحت
از درجات جنت که حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم فرموده که فردوس بالاتر
و کمتر نیست از فردوس تو آنست که اسم زاید و جنت است که اهل ایمان در آنجا
فرود آیند خالدین فیها و جاودان باشند در آن لا یبغون نمی خواهند
عنها از آن بهشتها حولا بدل یا طلب نمایند از تحویل یا تحول دیگر مراد که بر حالت
و جای نه بیاشد لو کان البحر بگو اگر باشد آب دریا مداد که شامل
ارض است لکلمات ربی برای نوشتن کلمات پروردگار من
یعنی معانی قرآن یا معلومات او لنفد البحر هر آینه تمام گردد و نیست آب دریا
و نیز اگر جسم است و محسوس متناهی باشد بجا در نهایت رسد قبل ان تنفد

ICO0000123

پیش از آنکه سوره نازل شده آن علوم آن را بر آن جهت آنکه آن غیر متناهی است
متناهی کلمات یعنی آن نوشته نشود و در تفسیر آیه و اگر آنچه در زمین
هست از درختان و دریا افزایم که خدا این آیه و قل لو کان البحر مدادا
لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا
و نیز تفسیر آیه و ما اوتیتم من العلم الا قلیلا و بیان این در تفسیر قرآن کریم
و مثال این آیه آورده که حق تعالی نهایت ندارد و هر چند کسی را علم بسیار بود و در
بیشتر علم الهی از علم قرآن و تورات و انجیل و زبور و زبان و زبور و سیوطی و ابن
اگر در علم صرف نبود بیش علم لغت و دانش بود و الحمد لله اما
بعض چیزی بنسبت کن آدم مثلا که مانند شجاره و دیگر اما آنکه بکلمات الله
اختیار است که بر ساخت بیرون بکلمه الله و بوحی الی و دیگر که میشود بی
اذن الله جز بنسبت که میشود اما الله و الله میشود بی بنسبت بل تر بکلمه
بان تنفد این هر که امید میدارد لقاء ربه پس باید که کار نیکو
یا هر که می ترسد از رسیدن بلقاء پاک گشتن جرم و عذر رسیدن فلیعمل
عملا صالحا که دارای شایسته یعنی بنیت خالص و در آورد که قل انما انا بشر
پیغمبر است صلی الله علیه و سلم که مثل منست او بظاهر که بشری دنیا و اختیار نفس
و دوام عبودیت است و باطن که بر پیغمبر است از تصرف و پرستش و رسیدن بحق
یعنی چه است از مشاهده ما سوا و بیش و غیر ظهور حضرت حق تعالی
قال ما زاغ البصر و ما طغی روزی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم پرسیدم که چیزی از حضرت
بینم و دیدار تو دیدم آورده اند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود که
صلی الله علیه و سلم عرض کرد که یا رسول الله من علی از آن خواهم که ما بهشت
ملک شود و شغول میکردم حضرت فرمود که ای علی اگر خواهی در آن بهشت

ICO0000123

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ICO0000123

ICO0000123